

محل رویش = نواحی شمالی ایران: کندوان، پل زنگوله، داماش در ۱۷۰۰ متری. گیلان: ارتفاعات ۵۰۰-۷۰۰ متری هرزویل، امامزاده ابراهیم در ۸۰۰-۹۰۰ متری (دکتر مهدیون - دکتر صالحیان، عبدالعلی منتظر).

Lathyrus sativus L.

فرانسه: Lentille d'Espagne، P. carré، Pois de Brebis، Gesse blanche
انگلیسی: Saatlatterbse، Chickling vetch، Bitter vetch، Mattar pea، آلمانی: Saatlatterbse
ایتالیایی: Pisello cicerchia، Cicerchia coltivata، عربی: خلر، جلبان (Gulbān)

گیاهی علفی، پیچک‌دار، بی کرک و دارای ساقه‌ای با بال نازک است. برگهای آن که از ۳ برگچه باریک و دراز و نونک تیز تشکیل می‌یابد منتهی به زائده‌هایی در محل اتصال به ساقه با ظاهر تیرکمانی و نونک تیز می‌شود. گل‌هایی به رنگ گلی یا مایل به آبی، به بزرگی ۳ تا ۴ سانتیمتر و سیوه‌ای نیام با کناره بالدار و محتوی دانه‌هایی به رنگ‌های سبز مایل به سفید یا مایل به زرد و یا مایل به قرمز دارد. طول دانه‌های آن، ۷ تا ۱۰، پهنای آنها ۵ تا ۹ و ضخامت آنها ۴ تا ۶ میلی‌متر می‌باشد.

منشاء اصلی آن احتمالاً آسیای صغیر بوده و از آنجا به نواحی دیگر راه یافته است. غالباً جهت تأمین علوفه، پرورش می‌یابد.

ترکیبات شیمیایی = دانه گیاه دارای ۳۱ درصد مواد نشاسته‌ای، ۲۸ درصد مواد قندی، ۲۲ درصد مواد چرب، ماده‌ای به نام **بتائین** betaine، کولین، مواد سمی و ترکیبات ناشناخته‌ای به نام **لاتیرین** lathyrine است.

خواص درمانی = روغن دانه گیاه اثر مسهلی قوی دارد ولی مصرف آن خطرناک می‌باشد. دانه‌اش در بعضی نواحی مدیترانه به مصارفی شبیه نخود می‌رسد. یو داده دانه آن نیز به جای قهوه مصرف می‌گردد. مصرف دانه‌های رنگی آن، عوارض سمی (لاتیرسم Lathyrisme) ایجاد می‌کند و حتی این عوارض در حیواناتی که از آن تغذیه می‌کنند ایجاد می‌گردد. به همین دلیل است که علوفه حاصل از آنرا، قبل از دانه بستن گیاه باید درو نمود ضمناً حالت لاتیرسم بیشتر در اسبها ایجاد می‌شود. دانه گیاه مناطق گرم معمولاً سمی‌تر است ولی اگر دانه گیاه مناطق معتدله نیز به مقدار زیاد مصرف شود، همان نوع سمومیت را ایجاد می‌کند. در کبوتر ایجاد سمومیت نمی‌نماید.

لاتیرسم - بررسی سمومیت از دانه این گیاه و گونه‌های دیگر، به تجاوز از دو قرن قبل

نسبت داده می‌شود. مانند آنکه De Lath در سال ۱۷۷۰ میلادی پی به این سمومیت برد و بعداً در سال ۱۸۸۴، دانشمندی به نام Cantini، نخستین بار عوارض این سمومیت را بررسی کرد و آنرا لاتیرسم Lathyrisme اعلام داشت.

تغذیه مداوم آرد دانه این گیاه حتی اگر با آرد گندم و ذرت مخلوط باشد، فلج اعضای سافله بدن و عدم انقباض ماهیچه‌ها را باعث می‌گردد. در الجزیره، تبت، هند و ایتالیا چنین مشاهد شده است که با مصرف آرد دانه گیاه، فلج اعضای سافله (مشانه، قولون...) همراه با درد ایجاد می‌شود و راه رفتن، مشکل و حتی غیرممکن می‌گردد بدون آنکه حساسیت در فلکس‌ها از بین برود. این حالت فلج، غالباً با عوارضی مانند درد کمر، مورمور شدن، خروج غیرارادی ادرار و غیره همراه می‌باشد.

محل رویش = نواحی جنوبی ایران، فارس: سراوند در ۱۹۰۰ متری. کرمان: کوه‌هراز، کوه نصر. لار، مکران، ایرانشهر، اصفهان، تهران و اطراف آن. خرم‌آباد. بعضی از نواحی آذربایجان مانند ارومیه (رضائیه). مشکین شهر در ۱۳۲۰ متری: کرمانشاه: بیستون.

چون دانه انواع متعددی از Lathyrus ها، با شدت‌های متفاوت ایجاد سمومیت می‌نمایند از این جهت مصرف آنها حتی از نظر درمانی باید با توجه به امکان سمومیت (لاتیرسم) صورت گیرد. از بین این گیاهان به ذکر ۲ نمونه سمی دیگر به شرح زیر که یکی از آنها پراکنندگی فراوان در نواحی مختلف شمال ایران دارد مبادرت می‌شود:

L. silvestris L. * این گیاه که گل‌هایی درشت، برنگ صورتی یا قرمز با تزئیناتی از خطوط سبز ارغوانی دارد و غالباً در حاشیه جنگلها، در گودالها می‌روید و ایجاد سمومیت می‌کند بطوریکه بعنوان علوفه باید قبل از دانه بستن مورد استفاده قرار گیرد زیرا دانه‌اش ایجاد عوارض شدید می‌نماید.

Lathyrus Aphaca L.

Aphaca vulgaris Alef.

فرانسه: Cicerchia senza foglie، Lisette، Poigreau، Pois de serpent، ایتالیایی: Rankenplatterbse، انگلیسی: Yellow vetchling، عربی: حمام البرج، بقیه

گیاهی کوچک، یکساله و دارای ساقه نازک، کم و بیش پیچنده و به ارتفاع ۱-۵ سانتیمتر می‌باشد. اعضای هوایی آن به رنگ سبز روشن یا کمی مایل به آبی است. در مزارع و کنار جاده‌های غالب نواحی اروپا، مناطق غربی آسیا منجمله ایران و شمال آفریقا می‌روید.

از مشخصات گیاه آن است که بکلی عاری از برگ است زیرا پهنک برگ آن، بطور کامل تبدیل به پیچک شده است و به جای آن، ۲ زائده بزرگ در محل اتصال به ساقه دارد. این دو زائده، دارای وضع متقابل و ظاهری برگ مانند و تیرکمانی شکل اند. گل‌های آن زرد رنگ و میوه‌اش نیام و محتوی ۵-۶ دانه صاف می‌باشد. از حالات غیرطبیعی آنکه نمونه‌هایی عاری از پیچک و دارای ۳ برگچه نیز در محیط‌های مختلف از آن دیده شده است. دانه گیاه طعمی بسیار تلخ دارد و اگر در علوفه حیوانات وجود داشته باشد ایجاد مسمومیت می‌نماید. برای دانه آن، اثر مخدر نیز قائل اند. محل رویش - غالب نواحی شمالی ایران، تهران و اطراف آن.

Onobrychis viciaefolia Scop.

O. sativa Lam. ، *Hedysarum Onobrychis* L.

فرانسسه : Bourgogne ، *Esparcette* ، *Sainfoin cultivé* ، آلمانی : *Echt - Esparcette* ، انگلیسی : *French - grass* ، *Holy clover* ، *Sainfoin* ، ایتالیائی : *Sano - fien* ، *Sedrangola* ، فارسی : اسپروس - عربی : انوبروخیس (*Anûbrûkhîs*) ، عربی (*Arn*)

گیاهی یکساله و دارای گونه فرعی، وارپته و فرم‌های مختلف می‌باشد و چون از علوفه‌های بسیار خود بشمار می‌آید از اینجهت پیوسته اقدام به پرورش آن در غالب نواحی می‌شود. برگ‌های مرکب از برگچه‌های متعدد، بیضوی و نوک تیز و گل‌هایی به رنگ‌های صورتی سفید، مایل به بنفش و غیره دارد. طول ساقه نمونه‌های مختلف آن متفاوت و بین ۸ تا ۶ سانتیمتر است. گل‌های آن در فاصله ماه‌های اردیبهشت و اوایل تابستان ظاهر می‌شود و چون نوش فراوان ایجاد می‌نماید زنبور عسل به سمت آن جلب می‌گردد. میوه‌اش نیام و محتوی دانه‌های صاف کروی یا کم‌ویش مسطح است. گاهی نیز به عنوان زینت پرورش می‌یابد. خاکستر گیاه، دارای معادل ۲۸ تا ۴۴ درصد آهک، ۵ تا ۱۰ درصد نیتری، ۲ تا ۵ درصد سیلیس و ۹-۱۰ درصد اسید فسفریک است. از گل‌های آن عسل مرغوب فراهم می‌شود. دانه‌اش در بعضی نواحی به عنوان معرق مصرف می‌گردد. محل رویش - البرز، شهرستانک، آذربایجان: ارومیه (رضائی سابق)، لرستان. در بعضی نواحی نیز پرورش می‌یابد (۱).

۱- در فلورا ایرانیکا، وارپته‌ای از این گیاه به نام *Var. Persica* Sirj. و به صورت سینونیم گونه اصلی به نام *O. altissima* Grossh. وارد شده است. که در نواحی مختلف ایران پراکنده‌گی دارد.

Faba vulgaris Moench.

Vicia Faba L.

فرانسسه : *Fève de cheval* ، *F. d'abondance* ، *Fève de marais* ، *Fève des champs* ، انگلیسی : *Broad bean* ، *Common bean* ، آلمانی : *Pfederbohne* ، *Feldbohne* ، ایتالیائی : *Fava* ، فارسی : باقلا ، باقلا سازندرانی - عربی باقلى (*Baqilâ*) ، فول (*Ful*)

گیاهی است علفی، دارای ساقه شیاردار و به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر که در غالب نواحی کره زمین پرورش می‌یابد. برگ‌های آن مرکب از ۲ تا ۴ برگچه درشت و عاری از پیچک است. گل‌های درشت و سفید یا گلی رنگ آن، لکه‌های سیاه رنگ داشته به تعداد ۲ تا ۴ تائی در کنار هم ظاهر می‌شوند. میوه‌اش نیام، پوشیده از کرک، متورم، ضخیم، به طول ۱ تا ۲ سانتیمتر و دارای برجستگی‌های محسوس در محل دانه هاست.

باقلا به حالت وحشی دیده نشده و بنظر می‌رسد که از *Vicia narbonensis* L. نشاء گرفته باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، گل، سرشاخه گلدار، میوه و دانه آن است. ترکیبات شیمیائی - باقلای سبز دارای ۸ درصد آب، ۴۰ درصد مواد آلبومینوئیدی، ۷۳ درصد مواد هیدروکربنه و ۳۰ درصد مواد چرب است. از سوختن آن، ۷۰ درصد خاکستر برجای می‌ماند. آزمایش‌های مختلفی که بر روی باقلای خشک بعمل آمده نشان داد که باقلا به حالت خشک دارای ۸ تا ۱۸ درصد آب، ۱۷۷ تا ۳۱۵۰ درصد مواد آلبومینوئیدی نظیر لگومین، ویکسین (۱)، کنویسین، *convicine* ، فیتین *phytine* ، نوکلئین، ۴۱ تا ۵۹ درصد مواد هیدروکربنه و غیره است. ضمناً معادل ۱۷۷ تا ۷۴ درصد خاکستر از آن برجای می‌ماند که در آن، عناصر پتاسیم و گاهی مس یافت می‌شود. مقدار پتاس میوه باقلا (پیله) خیلی زیاد است. در باقلا وجود مقدار کم ویتامین‌های A و B محقق گردیده است. کنویسین *Convicine* ، ماده‌ای به فرمول $C_{11}H_{15}N_3O_8$ و به وزن ملکولی ۳۰۲۴ است و علاوه بر *Faba vulgaris* Moench. از دانه *Vicia sativa* L. نیز به دست آمده (۲) و بعداً سنتز شده است (۳).

۱- مشخصات ویتامین در مبحث *Vicia sativa* L. شرح داده شده است.

2- Ritthausen, J. Prakt. Chem. (2) 24, 202 (1881); Ber. 29, 814 (1896).

3- Bien et al., J. Chem. Soc. Perkin. Trans. I, (1973) 1089.

کنوسین به صورت ورقه‌های کوچک در آب جوش (حلال) به دست می‌آید. در گرمای ۲۸۷ درجه تجزیه می‌شود بدون آنکه ذوب گردد. در آب خیلی گرم و محلول رقیق سود، محلول است ولی در کلروفرم و اسیداستیک گلاسیال حل نمی‌شود.



ش ۱۲ - *Faba vulgaris* : شاخه گلدار و میوه دار

فیتین Phytine ، به فرمول تقریبی $(C_7H_{14}O_4P_2, 2H_2O)$ ، $Ca_2Mg(C_7H_{14}O_4P_2)_2$ است. در دانه گیاهان مختلف مانند حیوانات ، بقولات و غیره یافت می‌شود ولی بیشتر از همه در خیسانه ذرت وجود دارد. نخستین بار توسط Posternak استخراج گردید (1).

1- Posternak , U. S. pat. 1 , 313 , 014 (1919 to Ciba).

فیتین، به صورت گرد سفید، بدون بو و محلول در اسیدهای رقیق است. در آب به مقدار کم حل می‌شود.

فیتین، ماده‌ای مغذی، مقوی و تأمین کننده کلسیم بدن است. از نظر درمانی، غذای مناسبی برای دوران نقاهت و کسانی است که تأمین کلسیم یا فسفر و یا اینوزیتول inusitol برای آنها ضرورت داشته باشد. دارای اثر مقوی اعصاب و رفع کننده خستگی‌های مفرط است. در تهیه اینوزیتول مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مقدار مصرف آن . ۵۰ تا ۱۰۰ گرم به صورت قرص یا کاشه در ۴ ساعت برای اشخاص بالغ و ۲۰ گرم بر حسب هریک از سنین عمر در اطفال است. مصرف معمولی روزانه آن، ۲۰-۵۰ گرم در یک دفعه و ۱-۲ گرم در ۴ ساعت برای اشخاص بالغ است (کدکس).

خواص درمانی - باقلا، ارزش غذایی زیاد دارد ولی دیر هضم است. اگر باقلای خشک مدتی در آب سرد خیسانده شود، نسبتاً سهل الهضم می‌گردد.

گل باقلا ، اثر مدر و ضد تشنج دارد. از دم کرده گل باقلا در طی سالهای متمادی به عنوان دفع سنگ کلیه در قولنج‌های کلیوی استفاده بعمل می‌آمده است. بررسی‌های سالهای اخیر نیز نشان داده که در موارد مذکور، نتایج مفید می‌توان از گل باقلا بدست آورد (Dr. F. Decaux در سال ۱۹۳۸).

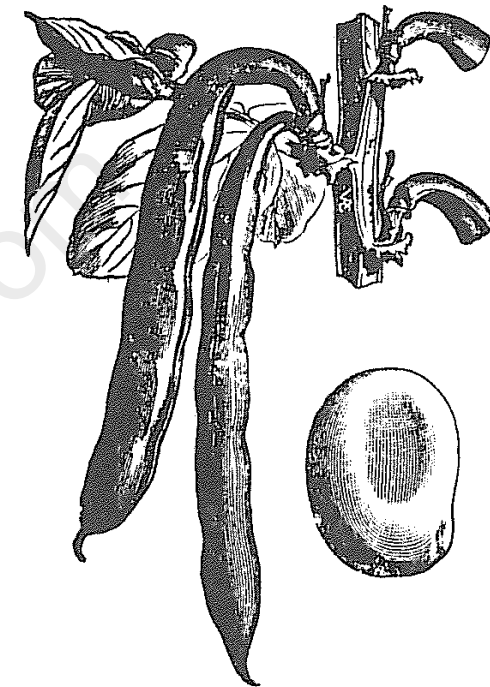
A. Robin در سال ۱۹۱۳ با مصرف آن در Pyélonéphrite که در آن، کلیه ولگنچه، حالت چرکین پیدامی‌کنند و در نتیجه ادرار چرکین می‌گردد، نتایج ارزنده بدست آورد.

D. H. Leclerc ، پزشک عالیقدری که تحقیقات فراوان در رفع بیماریها با فراورده‌های گیاهی نموده است، با توجه به بررسی پزشکان مذکور، همان نتایج درمانی را با جوشانده میوه باقلای سبز (پبله) در سال ۱۹۲۷ بدست آورد. سایر پزشکان مانند Ram نیز با توجه به اثر درمانی باقلا، مصرف آنرا در التهاب و ورم مثانه ناشی از وجود سنگ و رسوبات فسفات، مؤثر تشخیص دادند.

هنوز هم در بعضی نواحی، مصرف آن به منظور رفع رماتیسم، نقرس، آب آوردن بدن و غیره در بین مردم معمول است.

دانه باقلا ، اثر نرم کننده و از بین برنده التهاب‌های بدن دارد. جوشانده آن می‌تواند شکم‌روش‌های سزمن ناشی از تحریک مخاط روده را متوقف سازد.

ضماد آرد دانه باقلا ، در درمان آبسه و جوشهای بدن ، اثر مفید داشته ، پروراندن و خروج چرک را در آنها تسهیل می‌نماید .



ش ۱۳ - : واریته پرورش یافته باقلا $\times \frac{1}{4}$ — دانه به اندازه طبیعی (D. Bois)

صورداروئی - دم کرده ۳۰ تا ۶۰ در هزار گل و سرشاخه گلدار باقلا به عنوان مدر (در موارد آب آوردن انساج می توان مقدار نسبی آنرا زیاد کرد) - شراب حاصله از ۶۰ تا ۹۰ گرم خاکستر آن در یک لیتر به مقدار یک لیوان صبح ناشتا - جوشانده ۲۰ گرم میوه سبز (پیله باقلا) جهت رفع آلبومینوری (این جوشانده در طی ۲۴ ساعت باید مصرف شود) - گرد میوه خشک شده باقلا (پیله خشک شده) به مقدار ۱ تا ۲ گرم در هر صبح ناشتا، مخلوط در شراب یا آبجو برای دفع سنگ کلیه - در استعمال خارج جوشانده یک شست برگ باقلا در ۰.۰۵ گرم آب جهت رفع التهاب و درد نوك انگشتان و ناخن (Panaris) ، به صورت قرار دادن انگشت در جوشانده گرم آن به مدت ۲ ساعت ، بکار می رود.

افزودن آرد دانه باقلا به آرد گندم به منظور تهیه خمیر خوب، جهت طبخ نان توصیه گردیده است مشروط بر آنکه طبق بررسی های Courbe و Bruère ، مقدار آن از ۲ درصد تجاوز نکند.

فایسیم Fabisme - مصرف باقلای تازه در بهارگاهی با بروز عوارضی که ناشی از نوعی سمومیت یا حساسیت می باشد (فایسیم) همراه است. شدت بروز این عوارض به نحوی است که ممکن است گاهی موجبات مرگ را فراهم سازد. عوارض ناشی از مصرف باقلای تازه عبارت از کم خونی (به علت وقوع همولیز)، یرقان، اختلالات روحی، هذیان، ناراحتی های قلبی و حتی مرگ مخصوصاً در اطفال است. علت پیدایش این عوارض پس از مصرف باقلای تازه مشخص نیست زیرا تاکنون وجود و اثر مواد سمی و مؤثری که موجب پیدایش این حالات می گردد در باقلا روشن نشده است.

پیدایش عوارض ناشی از مصرف باقلای تازه در زمانهای قدیم بیشتر در ساردنی رخ می داده است. اخیراً در ایران نیز بر اثر مصرف باقلای تازه پیش آمده های مکرر اتفاق افتاد و موجبات مرگ را نیز در اطفال فراهم آورده است.

باقلا در غالب نواحی مانند شمال ایران پرورش می یابد و بنظر می رسد که سمومیت و فایسیم منجر به مرگ به علت مخلوط شدن دانه های باقلای محلی با دانه های آلوده غیرومی می باشد.

Lotus corniculatus L.

فرانسه : Trèfle cornu ، L. cornu ، Lotier corniculé ، Pied de poule

انگلیسی : Bird's trefoil ، Bird's foot ، Gemeiner hornklee ، Hornklee

ایتالیائی : Loto corniculato ، Gimestrina salvatica ، Trefoglio corneto

عربی : قرن الغزال ، کتیبه (Kutayhah)

گیاهی است چندساله و دارای ریشه طویل و قوی که اغلب در سزارع، دشتها، کنار جاده ها و اماکن کم درخت جنگلها نواحی مختلف اروپا و آسیا منجمله ایران می روید. به تناسب شرایط محیط زندگی نیز، ظاهر متفاوت پیدا می کند مانند آنکه ممکن است دارای ارتفاع کم و یا برگهای باریکتر از پایه اصلی گردد. برگهای آن از ۳ برگچه بیضوی یا بیضوی-لوزی تشکیل می یابد که مجموعاً با ۲ زائده برگ مانند واقع در زیر برگ، شامل ۵ برگچه بنظری می رسد. گلهای آن رنگ زرد دارد و به تعداد ۲ یا ۳ تائی، در راس انشعابات ساقه ظاهر می گردد. میوه اش نیام و منتهی به نوك باریک است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، بیشتر گلهای آن است ولی از کلیه قسمتهای آن نیزگاهی استفاده بعمل می آید.

ترکیبات شیمیائی - کلیه قسمت‌های گیاه دارای مقدار بسیار جزئی از اسید سیانیدریک است (Norlon و Armstrong در سال ۱۹۱۱). در جام گل این گیاه طبق بررسی‌های P. Guerin به مقدار ۰.۲ درصد از یک ترکیب مولد اسید سیانیدریک وجود دارد. دانه‌اش دارای ۷ درصد ماده روغنی است که پس از استخراج، حالت روان و رنگ قهوه‌ای قریب دارد. در گرمای ۱۴- درجه انجماد حاصل می‌کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۲۵ درجه، ۰.۹۳۰ و اندیس انکسار آن در گرمای ۳۰ درجه، ۱.۴۷۲۹ می‌باشد.



ش ۱۴ - Lotus corniculatus : گیاه کامل گلدار
و میوه‌دار (اندازه طبیعی)

تاریخچه و خواص درمانی - استفاده درمانی از این گیاه به دورانهای قدیم و عصر همر (Homer) نسبت داده می‌شود. نخستین بار دانشمند معروفی به نام Dr. H. Leclerc که از بنیان‌گذاران استفاده از گیاهان دارویی در درمان بیماریها بحساب می‌آید، در آثار خود مطالبی به شرح زیر درباره این گیاه ذکر کرده است :

یک زن دهاتی از اهالی Chars - en - Vexin که به ورم ملتحمه چشم مبتلا بود و ضمناً از عوارض ناشی از ناراحتی‌های عصبی مانند یبخوابی و طپش قلب رنج می‌برد برای مداوا به پزشک مذکور مراجعه کرد. دارویی که جهت درمان بیماری برای این بیمار تجویز گردید، دم کرده Melilotus officinalis بوده است. زن دهاتی به جای گیاه مذکور و به علت عدم تشخیص، از گیاه دیگری به نام Lotus corniculatus استفاده کرد و ضمناً به جای شستشوی چشم نیز، مقادیری از دم کرده گیاه اخیر را در چند مرتبه در روز، جهت رفع ناراحتیهای عصبی به مصرف رسانید. مراجعه مجدد زن بیمار و اطلاع از اینکه گیاه اخیر، اثر درمانی قوی در رفع ناراحتی‌های عصبی او بوجود آورده نظر دانشمندان را به خود جلب نمود و نتیجه آن شد که ترکیب شیمیائی گیاه و اثر درمانی آن، با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. از نظر درمانی، کلیه قسمت‌های گیاه اخیر بطور وضوح، اثر ضد تشنج دارد بطوری که می‌توان از آن در تمام موارد تحریکات عصبی استفاده بعمل آورد و برای رفع عوارض عصبی مانند یبخوابی، اضطراب، طپش قلب‌های منشاء عصبی و سرگیجه به مصرف رسانید بعلاوه برای بیمارانی که از یک بیماری حاد شناخته‌اند در دوره نقاهت تجویز کرد.

صورت دارویی - دم کرده غلیظ‌گلها که به میزان یک قاشق سوپخوری گل، برای هرفنجان آب تهیه شده باشد، به مقدار کلی ۳ فنجان در روز (در چند دفعه) - عصاره روان به مقدار ۲-۳ گرم در روز، هر دفعه . ۰ قطره (Dr. H. Leclerc).

شربت آرام کننده

عصاره روان گل‌های گیاه مذکور ۱۰ گرم
شربت بهار نارنج به مقدار کافی تا ۱۰۰ »

مقدار مصرف آن، یک تا دو قاشق دسر خوری، هنگام شب قبل از خوابیدن است.
محل رویش - نواحی جنوبی ایران، کوه دنا، آذربایجان، تبریز. اطراف تهران، کرج، لرستان، بلوچستان، لار، الوند، خراسان (فلور ایران).
در فلورا ایرانیکا، ضمن ذکر پراکنندگی گیاه مذکور در نواحی غربی آسیا، واریته‌ای به نام Var. corniculatus از گونه فرعی (subsp.) گیاه مذکور و به همان نام در منطقه وسیعی از ایران که شامل نواحی مذکور نیز می‌باشد ذکر شده است.

* *Psoralea corylifolia* L.

گیاهی یکساله، به ارتفاع ۲۰-۳۰ سانتیمتر و دارای برگهایی بیضوی-مدور، دندانه‌دار به طول ۳-۵ سانتیمتر و به عرض ۲-۳ سانتیمتر می‌باشد. ساقه و انشعابات آنرا، تارهای منتهی به راس مدور و غده‌ای، توام با تارهای سفید و پراکنده، می‌پوشاند. دمبرگ نسبتاً درازی نیز پهنک‌را به ساقه مربوط می‌سازد. در محل اتصال به ساقه، دو زائده کوچک قلاب‌مانند جای دارد. گل‌های کوچک آن به رنگ ارغوانی مایل به آبی و مجتمع به صورت دسته‌های ۱-۳ تایی در محور ساقه می‌باشند. میوه‌اش کوچک نیام، به طول ۵ میلی‌متر، بیضوی دراز و محتوی یک دانه صاف است. در هند، سیلان و عربستان می‌روید. در ایران یافت نمی‌گردد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه، برگ، میوه دانه‌دار و روغن حاصله از دانه است. ترکیبات شیمیایی - دارای ماده‌ای به نام متوکسالن Methoxsalene، پسورالین (۱) psoralene و پسورالیدین psoralidine (به فرمول $C_9H_8O_4$ و به وزن ملکولی ۲۰۰) است.

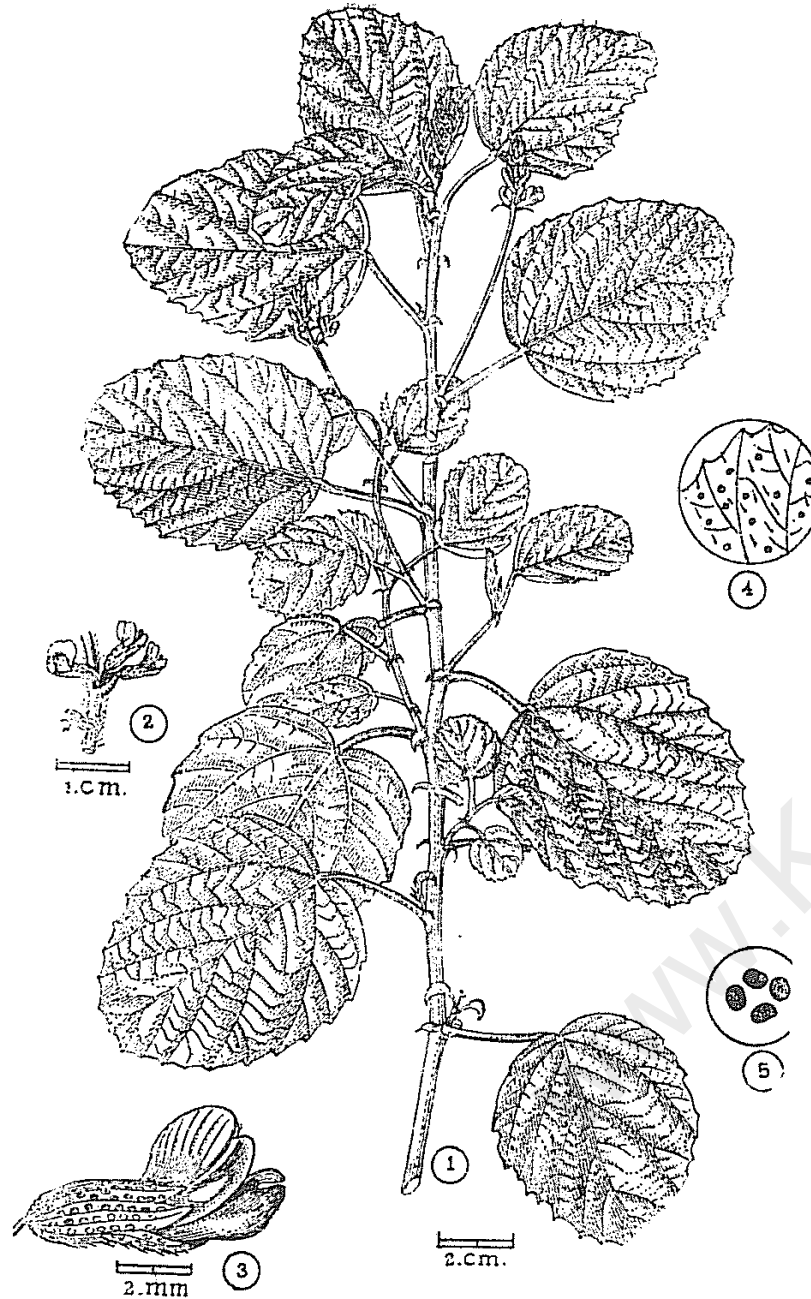
متوکسالن (آموئیدین ammoidine، گزانتوتوکسین xanthotoxin، ملادی‌نین Meladinin، ملوکسین Meloxin، اوکسورالین oxoralen، متوراکس - دوم Methorax - Dome)، به فرمول $C_{11}H_8O_4$ و به وزن ملکولی ۲۱۸-۲۱۶ است. علاوه بر گیاه مذکور در *Ammi majus* L.، آنزلیک، *Ruta graveolens* L.، *R. montana* L. و برخی دیگر از Rutaceae ها نیز استخراج شده است (۲).

متوکسالن، به صورت بلورهای سوزنی شکل بسیار ظریف ابریشمی، در آب داغ و یا در مخلوط بنزن و اتر دی‌پترول ولی به صورت منشورهای لوزی شکل، در مخلوط الکل و اتر به دست می‌آید. در آب سرد غیر محلول ولی در الکل جوشان، استن، اسید استیک و بنزن محلول است. در کلروفرم به مقدار زیاد حل می‌شود. از نظر درمانی، در معالجه اختلالات مربوط به پیگمان‌های پوست مؤثر است.

خواص درمانی - برگ گیاه، حالت اسهالی را متوقف می‌سازد. میوه‌اش اثر مدر دارد و در درمان جذام و بیماریهای پوستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر رفع استفراغ، ناراحتی‌های دفع ادرار، کم‌خونی، بواسیر و غیره مفید واقع می‌گردد. دانه‌اش طعم تلخ شیرین و ناپسند دارد و برای آن اثر ملین، ضد کرم، مقوی معده، نیرو دهنده، مقوی باء و محرک اشتها ذکر شده است. مصارف داخلی و استعمال خارج آن، ناراحتی‌های پوستی را بر طرف می‌سازد (Yunani).

۱- رجوع شود به بحث *Ficus* ها از تیره Moraceae.

2 - Priess, Ber. Deut. Pharm. Ges. 21, 227 (1911).



ش ۱۵ - *Psoralea corylifolia* : شاخه گلدار - قسمتی از گل آذین گل - نمایش مشخصات برگ و دانه (Ayur. dr.)

از روغن دانه گیاه درمان داء الفیل (Elephantiasis) استفاده می‌گردد. ریشه گیاه برای درمان کرم‌خوردگی دندان مصرف دارد. در چین و مالایا برای دانه گیاه اثرمقوی بآه قائل‌اند و در بعضی بیماریهای پوستی از آن استفاده می‌نمایند.

ازبین گونه‌های مفید و غیرسوجود این گیاهان در ایران به ذکر انواع زیر مبادرت می‌شود:
۱- *P. bituminosa* L. * ، در نواحی جنوبی، اروپا و عربستان می‌روید. از دانه‌های آن به عنوان تب بر استفاده می‌شود.

نامهای عربی آن، **حومانه** و **عوینه** است.

۲- *P. esculenta* Pursh. * در امریکای شمالی می‌روید و غده متورم آن که **پیکوتیاننا** Picotiana نامیده می‌شود و محتوی ۶۷ درصد آمیدون و ۸ درصد مواد قندی است، به مصارف تغذیه می‌رسد.

۳- *P. glandulosa* L. * ، در شیلی می‌روید. از برگهای آن به عنوان سسهل و از ریشه آن به عنوان قی‌آور استفاده می‌شود.

۴- *P. melilotoides* Michx. * ، در نواحی جنوبی اتازونی می‌روید. ریشه آن دارای اثر مقوی معده است.

ازبین گیاه مذکور، دانه نوع اول یعنی *P. corylifolia* L. ، دارای ماده روغنی و ارزش درمانی در بیماریهای پوست و جزام است و به طوریکه ذکر شد به مصارف درمانی مختلف می‌رسد. روغن دانه، حالت غلیظ، بوی معطر و رنگ قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای تیره به تناسب روش استخراج دارد. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه، ۰.۸۷۶ ، اندیس انکسار آن برابر ۰.۳۰۵ و اندیس ید آن ۸۰ است.

از روغن مذکور مانند دانه گیاه برای مصارف درمانی جهت رفع بیماریهای پوست و جزام استفاده بعمل می‌آید.

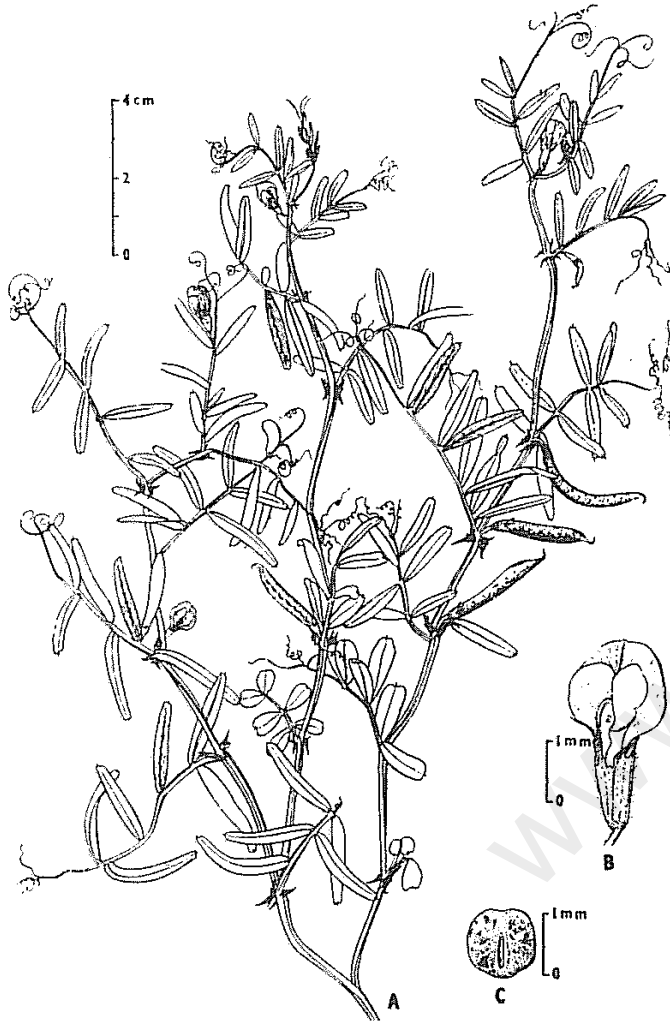
برای هیچیک از انواع موجود این گیاهان در ایران، اثرات درمانی در کتب داروئی مختلف ذکر نگردیده است.

Vicia sativa L.

فرانسه : Barbotte , Jarosse , Bisaille , Besse , Vesce commune , Vesce cultivée
انگلیسی : Vetch , Tare , آلمانی : Ackerwicke , Saatwicke ایتالیائی : Vescia comune
فارسی : ماش - عربی : دحریح (Duhhrayg) ، عدیسه (Adaysah) ، بزله ابلیس (Basillet...)

گیاهی علفی ، دارای ساقه زاویددار به ارتفاع ۴ تا ۷ سانتیمتر و برگهای منتهی به پیچک، مرکب از ۴ تا ۷ زوج برگچه است. گاهی نیز به علت دارا بودن پیچک، از تکیه‌گاه و گیاهان مجاور خود بالا می‌رود. گل‌های زیبا، به رنگ بنفش یا ارغوانی دارد.

ماش از علفه بسیار خوب برای دامهاست و با آنکه به حالت وحشی در نواحی مختلف پراکنده دارد معهذاً برای استفاده از دانه آن که شامل مواد غذائی کافی است، کم‌ویش پرورش نیز می‌یابد.



ش ۱۶ - *Vicia sativa* : شاخه گلدار و میوه‌دار - گل - دانه

سیوه آن باریک، دراز، پوشیده از نار و پس از رسیدن به رنگ قهوه‌ای است. در داخل سیوه، دانه‌های کوچک، تقریباً کروی، خاکستری یا قهوه‌ای رنگ و به ابعاد متفاوت ۲ تا ۴ میلی‌متر جای دارد.

ماش به حالت وحشی، در مزارع، کنار جاده‌ها، اماکن کم درخت جنگلها، دامنه‌های آبرفتی کوهستانها و غیره می‌روید.

زنبور عسل، به سمت ماده قندی آن که بر روی زائده‌های زیر برگ به مقدار فراوان جمع می‌گردد. جلب می‌شود. بطوری که همیشه به سمت مزارعی که در آنها پایه‌های ماش به گل نشسته‌اند هجوم می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه دانه‌های آن است.

ترکیبات شیمیایی - دانه نژادهای پرورش یافته ماش دارای ۳ تا ۳۰ درصد آب، ۲۷ تا ۲۹ درصد مواد آلبومینوئیدی مرکب از لگومین (آوینین avenine)، لگومالین، پروتئوز، نوکلئین، لستین، کلاستین، و همچنین ویسین vicine، کنویسین convicine، کولین، بتائین، گوانین و غیره، ۴ تا ۶ درصد مواد هیدروکربنه، مرکب از آبدون، گالاکتان، قندهای مختلف، اسیدهای ستریک و پالمیتیک و ۱ تا ۳ درصد مواد چرب است به علاوه معادل ۲۳ تا ۲۶ درصد خاکستر از آن بدست می‌آید.

در خاکستر آن، ۲۷ تا ۲۶ درصد پتاس، ۲ تا ۴ درصد آهک، ۷ تا ۱۳ درصد اسید فسفریک، ۶ تا ۱۱ درصد منیزی و غیره یافت می‌گردد.

در دانه این گیاه و *Vicia angustifolia* Clos، وجود ماده‌ای به نام ویسیانین vicianine نیز محرز گردیده است.

آوینین (Avenine) (لگومین Legumin، plant casein)، ماده‌ای است آلبومینوئیدی که علاوه بر گیاه مذکور در جو دوسر (*Avena sativa* L.) وجود دارد و استخراج شده است. احتمالاً با گلوٹن گازئین، مشابهت و همانندی دارد (1).

آوینین به صورت گرد آرد مانند، بدون بو و به رنگ مایل به زرد است. در آب سرد غیر محلول می‌باشد ولی در آب جوش، با کمی کند و متورم می‌شود. درقلیائیات به مقدار زیاد محلول است. در اسید تارتریک و اسید استیک نیز قابلیت انحلال دارد ولی با آنها، محلول کدر ایجاد می‌کند.

1- Sanson, Compt. Rend. 96, 75 (1883).

- Berger Freudenberg, Med. Exptl. 3 108 (1960).

ویسین Vicine (ویسیوزید vicioside، β -divicine-glucoside)، به فرمول $C_{10}H_{14}N_2O_6$ و به وزن ملکولی ۲۶۴.۳۰ است. از دانه *Vicia sativa* L. توسط Ritthausen استخراج شده است (1).

ویسین، به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در آب (حلال) به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۴۳-۴۴ درجه تجزیه می‌شود. به سهولت در اسیدهای رقیق وقلیائیات حل می‌گردد ولی درجه انحلال آن در الکل کم است. هر ۱۰۰ میلی‌لیتر آب، یک گرم آنرا در خود حل می‌کند. نوع دیگری از ویسین که یک راسنوزید - گلوکزید (rhamnosidoglucoside) است، از گل‌های گیاه مذکور توسط Karrer و Widner، به فرمول $C_{21}H_{21}O_{12}$ ، $2H_2O$ ، شرح داده شده است (2).

ویسیانین Vicianine، به فرمول $C_{19}H_{25}NO_7$ و به وزن ملکولی ۴۲۷.۴۰ است. از دانه *Vicia sativa* L. و *V. angustifolia* Clos. استخراج گردیده است (3). منوهیدرات آن به صورت بلوریهایی سوزنی شکل در آب به دست می‌آید. قطعه ذوب آن در حالت انیدر، گرمای ۱۶۰ درجه است. به مقدار بسیار کم در آب سرد ولی به مقادیر زیادتر در آب داغ حل می‌شود. در کلروفورم، بنزن و اتر دی‌پترول نیز غیر محلول می‌باشد.

از هیدرولیز ویسیانین، با مداخله آنزیم، موادی مانند ژئین Géine (یا ژئوزید geoside، گلوکزیدی است همراه با یک ملکول آب که از ریشه *Geum urbanum* L. که گیاهی از تیره Rosaceae است به دست می‌آید)، نتیجه می‌شود.

ویولوتین Violutine (ویولوتوزید violutoside) از *Viola cornuta* L. به دست می‌آید و از هیدرولیز آن تحت اثر آنزیم، ویسیانوز Vicianose حاصل می‌شود (4).

ویسیانوز، به صورت بلوریهایی سوزنی شکل، در الکل ۷۰ درجه به دست می‌آید. در گرمای ۲۱۰ درجه تجزیه می‌شود. در آب، به مقادیر زیاد حل می‌گردد ولی در الکل مطلق غیر محلول است.

ویسیانوز طعم شیرین ولی ملایم دارد و محلول فهلینگ را کمی بیشتر از مالتاز (maltase)، احیاء می‌کند.

خواص درمانی - دانه ماش علاوه بر آنکه در موارد تب‌های دانه‌ای مانند آبله و سرخک

1 - Ritthausen, Ber. 9, 301 (1876).

2 - Karrer, Winder, Helv. Chim. Acta, 10, 67 (1927).

3 - Bertrand, Compt. Rend. 143, 832 (1906).

4 - Bertrand, Weisweiler, Compt. Rend. 150, 181 (1910).

می‌تواند به‌بیمار داده شود (Dragendroff) ، در استعمال خارج نیز ، ضماد آرد آن برای رفع التهاب‌های سطحی بدن به‌کار می‌رود.

انواعی از ماش که دانه‌های درشت دارند بمصارف تغذیه می‌رسند.

برای ازبین بردن تلخی ماش ، مدت ۴ ساعت باید آنرا در آب سرد خیسانند. تلخی دانه ماش را مربوط به یک‌گلوکزید سولف اسید سیانیدریک ولی غیرمشابه با آمیگدالین می‌دانند. این ماده بر اثر جوشیدن در آب نمک‌دار ازبین می‌رود. به‌علت وجود همین ماده در ماش است که در پرورش طیور نباید آنرا بطور مداوم بمصارف تغذیه پرندگان رسانید.

محل رویش - شمال ایران، خرم‌آباد، همدان و نواحی دیگر.

در بعضی کتب علمی به‌جای گیاه مذکور، سه‌وارپته از آن به‌شرح زیر در نواحی مختلف ایران ذکر گردیده است:

۱- *Var. sativa* ، که دارای وسعت پراکندگی زیاد در نواحی شمالی ، غربی و جنوبی ایران است.

۲- *Vicia sativa* Wulf., *Var. cordata* (Wulf.) Arcangeli ، دارای پراکندگی در نواحی شمال و مغرب ایران مانند بختیاری است.

۳- *Var. angustifolia* L. ، دارای پراکندگی در نواحی شمالی ، غربی ، شرقی و مرکزی ایران (Fl. iranica N. 140, P. 51 - 53) است.

Vicia ervilia Wild. * ، *Ervum ervilia* L. - گیاهی است علفی که از آرد

دانه‌اش ، سابقاً در تهیه ضماد بمنظور رفع التهاب‌های پوستی استفاده به‌عمل می‌آمده است. آرد دانه آن در فرمول تهیه تریاک وارد است.

نام عربی آن *Karsanah* است.

در بعضی نواحی پرورش می‌یابد.

Cicer arietinum L.

C. grossum Salisb. ، *C. sativum* Schkuhr.

فرانسه : Présète ، Pois pointu ، Pois tête de Bélier ، Pois chiche

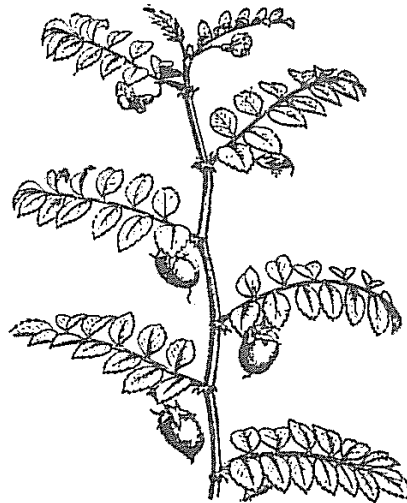
انگلیسی : Chick - pea ، Chiches آلمانی: Kichererbse ایتالیایی : Cece

فارسی : نخود - عربی حمص (Hhimmass)

گیاهی است علفی، یکساله به‌ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر، پوشیده از تارهای غده‌ای و عاری از پیچک که در نواحی مختلف پرورش می‌یابد. از مشخصات آن این است که برگ‌های

مرکب از ۱۳ تا ۱۷ برگچه کوچک ، دنداندار با ظاهر مشخص و گل‌های سفیدرنگ ، مایل به‌قرمز یا مایل به‌آبی و به‌وضع منفرد بر روی ساقه دارد.

میوه‌اش نیام، کوچک ، متورم، منتهی به‌نوک باریک، به‌طول ۲ تا ۳ سانتیمتر و به‌عرض ۱ سانتیمتر است. دانه‌هایی به‌رنگ‌های مختلف سفید مایل به‌زرد یا سیاه دارد.



ش ۱۷ - *Cicer arietinum* : شاخه میوه‌دار

ترکیبات شیمیایی - دانه‌نخود دارای لسیترین، گالاکتان، قندهای مختلف مانند ساکارز، دکستروز و لولز، ماده روغنی و ویتامین‌های B و C است. در خاکستر گیاه نیز عناصری مانند پتاسیم و مس یافت می‌شود.

مقدار درصد ماده روغنی آن کم است ولی همین مقدار (حدود ۵ درصد)، به‌آن اثر انرژی‌زایی بیشتری می‌دهد. روغن حاصل از آن ، حالت روان و رنگ قهوه‌ای تیره دارد. در گرمای ۱۰-درجه انجماد حاصل می‌کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه، ۱٫۱۸۹ است. اندیس صابونی و اندیس ید آن به‌ترتیب ۱۸۳ و ۱۱۸۵ می‌باشد (Mensier, Hiules végétales, P. 164).

خواص دوسانی - نخود با همه ارزش غذایی که دارد، دیر هضم و سولف نفع است ولی از قدیم الایام چنین شهرت داشته که با مصرف آن اثر مدر، قاعده‌آور و ضد کرم ظاهر می‌شود. از آن

می‌توان برای رفع آب آوردن، قولنج‌های کلیوی، دفع رسوبات ادراری و درمان زردی، استفاده به‌عمل آورد.

طبق بررسی‌هایی که به‌عمل آمده مشخص شده‌است که اثر دفع اسیداوریک و کلورورها را دارد (Dr. H. Leclerc و Cazin) بعلاوه دارای اثر ضد عفونی‌کننده مجاری ادرار می‌باشد. از نخود محلول مدر طبق فرمول Dr. H. Leclerc، می‌توان به‌شرح زیر تهیه کرد:

نخود	۱۰۰ گرم
جوغاری ازپوسته	» ۱۵۰
جعفری تازه	» ۵۰
آب	یک لیتر

مخلوط نخود و جو را در آب به‌مدت نیم‌ساعت می‌جوشانند و سپس مقدار ۵۰ گرم جعفری تازه به آن می‌افزایند و مجموع را به‌مدت ۱۰ دقیقه دم می‌کنند. مقدار مصرف آن به‌عنوان مدر ۳ لیوان در روز برای اشخاص بالغ است.

در استعمال خارج، آرد نخود، اثر بازکننده زخم‌های چرکین و التیام آنها دارد. در همه نواحی پرورش می‌یابد.

Phasaeolus vulgaris L.

فرانسه : Haricot commun، Haricot انگلیسی : kidney bean آلمانی : Gemüsobohne
ایتالیایی : Fasulyah، Fagiolo، Fagiolo، Smilace degli orti، عربی: لوبیا، فصولیه (Fasulyah)
فارسی : لوبیا

گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای است که بتفاوت برحسب نژادهای مختلف ممکن است کوتاه و یا بالارونده باشد. برگ‌های آن مرکب از ۳ برگچه پهن بزرگ و خشن و گل‌های آن سفید مایل به‌زرد یا مایل به‌بنفش و میوه‌اش باریک، دراز، نولک تیز و محتوی دانه‌های کشیده و بیضوی است.

قسمت مورد استفاده لوبیا، پوست میوه و دانه آن است.

ترکیبات شیمیایی - ترکیب شیمیایی دانه لوبیای سبز و خشک با یکدیگر متفاوت است.

در جدول زیر، مقادیر درصد مواد کلی آنها با دانه سوژا مقایسه شده است. :

دانه لوبیای سبز	دانه لوبیای خشک	دانه رسیده سوژا	آب
۸۹۱۷	۱۲۲۶۰	۱۱۲۳۰	
۲۳۷	۲۲	۳۲	مواد آلومینوئیدی
۷۴۲	۶۱۳۵۴	۲۶	مواد هیدروکربنه
۰٫۲۱	۱۳۵۴	۱۷	مواد چرب
۰٫۷۰	۳۳۵۴	۴۳۰	خاکستر

در میوه لوبیای سبز (پبله) که محتوی دانه است، معادل ۷۵ درصد اینوزیت و ۱۶ درصد ساکارز وجود دارد.

در هنگام رسیدن میوه، مواد مختلف نظیر اسپاراژین، آرژینین، تری‌گونلین trigonelline، تیروزین، لوسین leucine، لیزین، کولین، آلانتوئین، نوکلئین و غیره در آن بوجود می‌آید که در دانه‌ها ذخیره می‌گردد. دانه لوبیا بعلاوه دارای ۲۰ درصد فازه‌ئولین (گلوبولین قابل تبلور) phaseoline، مقدار کمی فازه‌لین phasefine، کلسترین، لسیتین، مواد پکتیک، مواد چرب، استاکیوز، ساکارز، تریپتوفان، نوعی فسفاتید، هیدرات‌های کربن محلول و غیره است.

وجود نوعی فیتوتوکسین به‌نام فازین phasine نیز در آن ذکر شده است. در بین گیاهان تیره‌های مختلف منجمله Leguminosae، انواعی وجود دارد که در آنها، فیتوتوکسین Phytotoxine که نوعی ماده سمی (توکسین Toxine) با منشاء گیاهی است یافت می‌شود.

فیتوتوکسین‌ها، توکسین‌هایی هستند که پس از وارد شدن در بدن، باعث بوجود آمدن آنتی‌کور (Anticorps) می‌گردند یعنی در واقع، آنتی‌ژن (Antigènes) هستند. اینگونه مواد که علاوه بر گیاهان، در جانوران و باکتری‌ها نیز وجود دارند به‌سه‌گروه: فیتوتوکسین (مانند سم‌آبرین Abrine)، زئوتوکسین Zootoxines (مانند سم مارکبرا) و باکتریوتوکسین Bacteriotoxines مانند سم تتانوس (کزاز) تقسیم می‌شوند. در اینجا از بین فیتوتوکسین‌ها، انواع زیر را مثال می‌زنیم:

نوع فیتوتوکسین	گیاه مولد
ریسین (Ricine)	Ricinus communis از تیره Euphorbiaceae
کروتین (Crotine)	Croton Tiglium « « « « «
کورسین (Curcine)	Jutropha Curcas « « « « «
کره پی‌تین (Crépitine)	Hura crepitans « « « « «

Papilionaceae	«	Abrus precatorius	آبرین (Abrine)
«	«	«	«
«	«	Robinia pseudacacia	روبین (Robine)
«	«	«	«
«	«	Phasaeolus vulgaris	فازین (Phasine)
«	«	«	«
«	«	Glycine hispida	سوژا - آگلوتینین (Soja - agglutinine)
«	«	«	«
Champignons	«	Amanita phalloides	فالین (phalline)

از فیتوتوکسین های مذکور، مهمترین، ریسین، آبرین و فالین است (Perrot Em. p. 1456).

فازه نولین Phaseoline ، ماده ای است به فرمول $C_7H_{18}O_5$ و به وزن ملکولی ۳۲۲٫۳۴ که از لوبیا (Ph. vulgaris L.) توسط Perrin و Cruickshank استخراج گردید (1). به حالت متبلور به دست می آید و در گرمای ۱۷۷-۱۷۸ درجه نیز ذوب می شود. فازه نولین دارای اثر ضد قارچ است.



ش ۱۸ - Phasaeolus vulgaris شاخه گلدار - نمایش داخل گل

1 - Cruickshank, Perrin, Life Sic. 2, 680 (1963).

در میوه خشک لوبیا، ماده ای به نام **فازول Phasol** و ۴٫۸۶ درصد همی سلولز وجود دارد. از هیدرولیز ماده اخیر، گالاکتوز، آرابینوز و کمی لولز حاصل می شود (1).

خواص درمانی - میوه سبز لوبیا (پیله)، ساقه و دانه نارس آن، اثر مدرومعالج بیماری تند دارند در حالی که آرد دانه آن نرم کننده است.

از جوشانده میوه آن (یعنی قسمتی که دانه را فرامی گیرد) می توان در موارد آب آوردن انساج، خیز بدن (Oedème)، رماتیسم مزمن، سیاتیک، تقرس، بیماری های کلیه و مثانه، ورم - حاد یا مزمن مفاصل، دانه های جلدی و غیره استفاده بعمل آورد. مصرف آن در هیدروپیزی هائی که ارتباط با بیماری های قلب و گردش خون دارد و همچنین در بیماری تیفوئید، آلبومینوری زنان بار دار و بطور خلاصه در کلیه بیماری های مزمن مجاری ادرار حتی سنگ کلیه، و همچنین تقرس تجویز گردیده است.

استفاده از میوه لوبیا به منظورهای درمانی، از قدیم الایام بین مردم معمول بوده است و اگر به تاریخچه آن توجه شود مشاهده می گردد که بیماری های مختلف را از زمانهای خیلی قدیم با آن مداوا می نمودند و چون شرح همه آنها در این کتاب میسر نیست از این جهت به ذکر مختصر نتایج بررسی های دانشمندان سالهای اخیر اکتفا می شود. W. Ripperger (در سال ۱۹۳۷) با توجه به نتایجی که Dr. L. Ross از میوه لوبیا بدست آورد، موارد درمانی زیر را برای آن ذکر نمود:

بیمار قلبی مبتلا به خیز اندامهای سافله که مدتی با دیژیتال تحت مداوا قرار گرفته ولی منحصرأ بهبود موقتی در او ظاهر می شد بطوری که خیز اندامهای سافله بیمار مجدداً عودت پیدا می نمود، مدتی تحت رژیم لوبیا قرار گرفت و نتیجه آن شد که با مصرف سوپ میوه لوبیا، حجم ادرار افزایش پیدا کند و با ادامه مصرف آن (با نظر پزشک معالج)، نتایج مطلوب از این مداوا بدست آید.

مورد دیگر، افزایش حجم مقدار ادرار بیمار مبتلا به قند و کاهش مقدار قند ادرار آنها پس از مصرف میوه لوبیاست که پزشکان مختلف، این اثر را تأیید نمودند.

لوبیای سبز (پیله لوبیا)، طبق بررسی های جدید به علت دارا بودن نوعی اینوزیتول inositol، اثر مقوی قلب دارد و تصویری کنند که می تواند در ادامه استفاده از فرآورده ها دیژیتال، از آن نتایج مفید به دست آورد (2).

Kroeber در سال ۱۸۳۴، با توجه به اثر مسلم میوه لوبیا در کاهش مقدار قند ادرار

1 - Fournier p., Pl. Méd. et Vénén. de France.

2 - Lievre H., Revue du jeune Médecin, No. 100, 25 Oct. (1982).

در بیماران مبتلا به دیابت، چنین اظهار داشت که پیدایش این حالت در بیماران، به علت وجود موادی مانند فازل، فازه‌تولین و آرژینین در میوه لویبست.

بررسی‌های Kauffmann در سال ۱۹۲۷ و Siebert, Gessner در سال ۱۹۲۸ که بر روی بیماران مختلف صورت گرفت، این نتیجه را حاصل نمود که جوشانده میوه خشک‌لویب، مقدار خون را بطور مسلم در بیماران مبتلا به این بیماری پائین می‌آورد.

در استعمال خارج، بکار بردن آرد دانه لویب در رفع آگزماهای حاد و مزمن (در حالات خشک و مرطوب) اثر مفید بوجود می‌آورد. مشاهدات مختلف نشان داده است که آرد دانه لویب اگر بر روی دانه‌های جلدی که همراه با خارشهای تحمل‌ناپذیر باشد تأثیر داده شود، اثر آرام‌کننده با عمل مداوم ظاهر می‌نماید.

صورت دارویی - جوشانده ۳ در هزار میوه خشک‌لویب (پيله خشک) به مدت یک تا دو روز و بمقدار یک فنجان بین هر دو غذا.

استفاده از نسخه‌های زیر توسط پزشکان مختلف توصیه گردیده است:

۱- نسخه Raum:

مقدار ۲ تا ۳ شمت، میوه خشک لویب را در یک لیتر آب بجوشانید بطوری که مجموعاً حجم مایع به نیم یا $\frac{۳}{۴}$ لیتر برسد. مقدار مصرف این جوشانده، یک فنجان بین هر دو غذا به مدت ۴ روز است. پس از ۴ روز اگر مدت سه روز فاصله داده شود، می‌توان مجدداً مصرف آنرا تکرار کرد.

۲- نسخه Kauffmann:

مقدار ۲۰۰ تا ۲۵۰ گرم میوه خشک لویب را به مدت یک شب در مقداری آب بخیسانید و بعداً آنرا به مدت ۲ تا ۳ ساعت بپزید به حدی که محلول به مقدار $\frac{۳}{۴}$ لیتر تقلیل حاصل نماید. این جوشانده را می‌توان با افزودن شیره گوشت، دارای طعم مطبوع کرد. از گونه‌های خوراکی و زینتی لویب، *Phasaeolus multiflorus* Willd. * را نام می‌بریم که در اروپا پرورش می‌یابد و به **لویبای اسپانیا** موسوم است.

دانه این نوع لویب هنگامی که هنوز بطور کامل نرسیده است، طعم مطبوع‌تر دارد زیرا پس از رسیدن کامل، پوسته دانه دارای ضخامت زیاد می‌گردد و با آنکه مقدار ماده نشاسته‌ای آن زیاد می‌شود معهداً اگر پس از رسیدن کامل، چیده شود، به علت عیب مذکور مورد توجه نخواهد بود.

انواع مختلفی از *phasaeolus* ها، به علت داشتن دانه‌های خوراکی، پرورش داده می‌شوند که از این آنها *Ph. aureus* Roxb. را نام می‌بریم. این گیاه که مدت‌ها با گونه دیگری به نام *Ph. Mungo* L.، توأم یک نوع خاص به حساب می‌آمد، دانه‌اش دارای مواد پروتیدی زیاد، تقریباً مشابه سوژا می‌باشد به طوری که از آن، برای استخراج کازئین استفاده می‌شود. دانه این گیاه از نظر دارا بودن مواد گلوئیدی و پروتیدی بسیار غنی به مصارف تغذیه (بعد از خیساندن مدتی در آب) می‌رسد. در تونکن، ماداگاسکار و نواحی مختلف افریقای شمالی پرورش می‌یابد. سابقاً در چین و هند نیز پرورش می‌یافته است. دارای ۲۲۷ درصد مواد پروتیدی، ۸ درصد مواد گلوئیدی و ۴ درصد سواد معدنی است. پرورش آن در جنوب فرانسه نیز معمول است. جوانه‌های آن سابقاً تحت نام جوانه‌های سوژا، در معرض فروش قرار می‌گرفت به طوری که در رستوران‌های پاریس، جهت مصرف ارائه می‌شد. از دانه‌های این گیاه نیز نوعی ورمیشل (Vermicelle) تهیه می‌گردید (Perrot Em. p. 1508).

Ph. Mungo L. * که گلپانی به رنگ زرد و میوه باریک و دراز دارد و پس از

رسیدن، تیره رنگ می‌شود، امروزه در غالب نواحی نیمه حاره پرورش می‌یابد.

مقدار درصد سواد روغنی در انواع مختلف لویب‌های مذکور بسیار کم و در حدود یک تا ۲ درصد است.

سمومیت - دانه‌گونه‌های مختلفی از *Phasaeolus*، دارای اثر سمی و حتی کشنده است. مانند آنکه *Ph. Mungo* L. (*Ph. lunatus* L.) دارای دانه‌هایی با حداکثر مقدار سواد سمی است. سمیت دانه بعضی از لویب‌های سمی دارای شدتی به پایه سمومیت از اسید-سیانیدریک می‌گردد.

نمونه‌های پرورش یافته لویبای خوراکی نیز استثنائاً سمومیت‌هایی بر اثر مصرف دانه‌هایی از آنها که پوسته تیره رنگ دارند، پیش آورده است (لویبای بعضی نواحی مانند هنگری). از نمونه‌های مختلف لویبای خوراکی معادل ۳-۴ در هزار، اسیدسیانیدریک بدست آمده که آنهم هیچ‌گونه اثر زیان‌آور در سلامتی ندارند. این اسید با مداخله گلوکزیدی به نام **فازئولوناتین** *phaseolumatine*، در گیاه حاصل می‌گردد.

فرمان عامل این تجزیه، اگر تحت اثر حرارت قرارگیرد از بین می‌رود. در غیر اینصورت یعنی اگر گرما مداخله نکند، فرمان مذکور، گلوکزید سولد اسید سیانیدریک را در مجاورت آب، تجزیه می‌کند و موجب پیدایش اسید سمی مذکور می‌گردد.

نمونه‌های پرورش یافته لویبای خوراکی، بطوری که در فرانسه مورد تجزیه قرار گرفته، به مقدار بسیار جزئی اسیدسیانیدریک تولید می‌کنند که آن هم به علت جزئی بودن، اثر بد در سلامتی

بوجود نمی‌آورند ولی اگر همین لوبیاها، به حالت وحشی درآیند و برگهائی به رنگ سایل به بنفش و دانه‌هائی سیاه رنگ حاصل کنند، سمی می‌گردند.

در بین *Lupinus* ها، چند نوع مفید یافت می‌شود که استفاده از آنها به علت سمی بودن برخی انواع، امروزه تقریباً متروک گردیده است. انواع قابل ذکر این گیاهان به شرح زیر است:

L. angustifolius L. ، * *L. albus* L. ، * *Lupinus luteus* L.

* *L. argenteus* Pursh. ، * *hirsutus* L.



ش ۱۹ - *phasaculus* Mugo (وارپته) شاخه سیوه‌دار $\frac{1}{4} \times$

نوع اول از چهار گیاه مذکور، گل‌های زرد، نوع دوم گل‌های سفید، نوع سوم برگچه‌های باریک و نوع چهارم برگچه‌های پهن دارد. در همه آنها نیز راس برگچه‌ها که به تفاوت به تعداد ۵ تا ۱۰ می‌باشند، به یک نقطه منتهی می‌شود که خود بهترین وسیله برای تشخیص آنهاست.

از بین چهار گیاه مذکور، اختصاصات گیاه شناسی نوع دوم به اختصار شرح داده می‌شود:

* *Lupinus albus* L. ، گیاهی علفی، دارای برگهای مرکب از برگچه‌های منتهی

بیک نقطه و واقع بر روی یک دمبرگ دراز است. گل‌های آن بزرگ، مجتمع به صورت خوشه‌انتهائی و به رنگ سفید است ولی ناوگلهای، رنگ آبی دارد. سیوه‌اش نیام و محتوی دانه‌هائی به رنگ سفید سایل به زرد است.

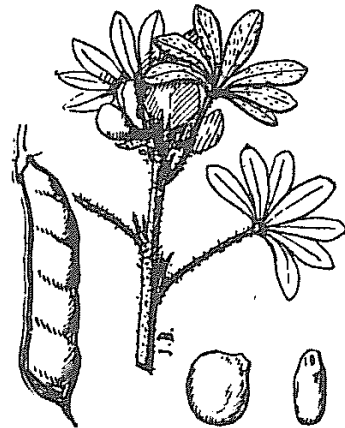
بعضی از انواع این گیاهان در منطقه مدیترانه پراکندگی دارند. تعدادی از آنها نیز به علت دارا بودن گل‌های درشت و زیبا، پرورش می‌یابند.

قسمت مورد استفاده گیاه اخیر، دانه‌های آن است که به طول ۸ و به قطر ۵ میلی‌متری باشند و ظاهر مکعب شکل دارند. فاقد بو ولی دارای طعم تلخ اند.

ترکیبات شیمیائی - دانه گیاهان مذکور به تفاوت دارای سواد ازته، سواد رزینی، روغنی،

ماده‌ای به نام لوبینی *lupinine*، لوبینی *lupinidine*، لوبانین *lupanine*، لوبه *lupéol*

، اسپارتئین *sparteine*، نوعی گلوکید به نام لوبه *lupeose* و غیره است.



ش ۲۰ - *Lupinus albus* - شاخه گلدار و برگدار - دانه $\times 1$

بررسی‌های مختلف نشان داده است که در دانه‌سه نوع از *Lupinus* مانند *L. perennis* L.

و *L. angustifolius* L. و *L. polyphyllus* Lindl. ، ماده‌ای از تدار به نام هیدروکسی لوبانین

hydroxylupanine وجود دارد.

لوبه *lupéol* (فراگاسترول *fragarasterol* ، بتا - ویکسول β - viscol) ،

به فرمول $C_{27}H_{46}O$ و به وزن ملکولی ۴۲۶٫۷۰ است. لوبه *lupéol*، تری تریپنی است که در گیاهان فراوانی، متعلق به تیره‌های مختلف یافت می‌شود. این ماده، در اعضای گیاهان زیر ویا در شیرابه استخراج شده از آنها، وجود دارد:

۱- در شیرابه *Achras sapota* L. از تیره *Sapotaceae*

۲- در پوست دانه انواع مختلف *Lupinus* - *Papilionaceae*

۳- در شیرابه درختان انجیر و بطور کلی درختان مولد کائوچوک.

استخراج لویه‌ئول، توسط محققین مختلف مانند Cohen (1)، Ruzicka و همکارانش و سنتز کامل آن (total synthesis) توسط Stork و همکارانش صورت گرفته است (2). لویه‌ئول، به صورت بلورهای سوزنی شکل، در الکل و در استن به دست می‌آید. در گرمای ۲۱۵ درجه ذوب می‌شود. در اتر، بنزن، اتر دیپترول و الکل گرم به مقدار زیاد محلول است ولی در آب، اسیدها و قلیائیات حل نمی‌شود. استات آن به فرمول $C_{10}H_{16}O_4$ است و به صورت بلورهای سوزنی شکل در استن به دست می‌آید. در گرمای ۲۵۲ درجه ذوب می‌شود. بنزوات آن به فرمول $C_{10}H_{14}O_4$ است و به صورت بلورهای منشوری شکل در استن به دست می‌آید. در گرمای ۲۷۳-۲۷۴ درجه ذوب می‌گردد. کلریدرات آن به HCl ، $C_{10}H_{16}O$ است و در اتانول به صورت بلورهای سوزنی شکل به دست می‌آید. در گرمای ۲۱۱-۲۱۲ درجه ذوب می‌شود.

لویپینین Lupinine، به فرمول $C_{15}H_{27}NO$ و به وزن ملکولی ۲۶۹٫۲۷ است. از دانه و اعضای مختلف گیاهان زیر به دست می‌آید:

۱-	Lupinus luteus L.	از تیره	Papilionaceae
۲-	— — albus L.	— — —	— — —
۳-	Anabasis aphylla L.	—	Chenopodiaceae

روش استخراج این ماده توسط Couch مشخص شد (3). فرمول منبسط و سنتز آن نیز توسط Fourneau، Willstätter (4) و محققین انجام گرفت.

لویپینین، به صورت بلورهای درشت ارتورومبیک در استن حاصل می‌شود. در گرمای ۶۸۵-۶۹۲ نیز ذوب می‌گردد. در آب، الکل، کلروفرم و اتر حل می‌شود. از بازهای قوی است.

کلریدرات آن به فرمول HCl و $C_{15}H_{27}NO$ است و به صورت بلورهای منشوری شکل ارتورومبیک متبلور می‌گردد. نقطه ذوب آن بین ۲۰۸ و ۲۱۳ است.

پیکرات لویپینین، در مخلوط آب و استن به حالت متبلور درمی‌آید. در گرمای ۱۹۶-۱۹۷ درجه ذوب می‌شود.

1 - Cohen, Rec. Trav. Chim. 28, 369 (1909).

2 - Stork et al., J. Am. Chem. Soc. 93, 4945 (1971).

3 - Couch, J. Am. Chem. Soc. 56, 2434 (1934).

4 - Willstätter, Fourneau, Ber. 35, 1910 (1902).

دانه انواع غیرسمی Lupinus ها به علت دارا بودن مواد ازته فراوان پس از رفع تلخی آنها، به طریق خیساندن در آب و غیره، به مصارف تهیه آرد می‌رسد و از آنها نان شیرینی تهیه می‌کنند ضمناً به علت دارا بودن مواد البومینوئیدی زیاد، برای تهیه غذای رژیم مبتلایان به بیماری قند، از آنها استفاده بعمل می‌آید.

لوپانین Lupanine، به فرمول $C_{15}H_{27}NO$ و به وزن ملکولی ۲۶۹٫۳۶ است. فرم راسمییک آن در Lupinus هائی که گل‌های سفیدرنگ دارند ولی نوع راست‌گرد آن در انواعی که گل‌های آبی دارند یافت می‌شود. فرم چپ‌گرد (لووژیر) آن از لوپانین راسمییک که به حالت طبیعی در گیاهان وجود دارد، تهیه می‌شود.

فرمول منبسط آن توسط Davis (سال ۱۸۹۷) تعیین گردیده است.

فرم راسمییک آن به صورت بلورهای منشوری شکل ارتورومبیک در استن به دست می‌آید. در گرمای ۹۸-۹۹ درجه ذوب می‌شود. در آب، اتر و کلروفرم محلول ولی در اتر دیپترول حل نمی‌گردد.

فرم دکستروژیر (راست‌گرد) آن به حالت مایعی غلیظ است و بسختی به صورت بلورهای سوزنی شکل آبدار در می‌آید. در گرمای ۴۴-۴۵ درجه ذوب می‌شود.

فرم چپ‌گرد (لووژیر) آن، حالت مایعی روغنی و چسبنده دارد.

هیدروکسی لوپانین Hydroxylupanine (اوکتالوپین octalupine، اوکسی-لوپانین oxylupanine)، به فرمول $C_{15}H_{27}NO_2$ و به وزن ملکولی ۳۶۴٫۳۶ است و توسط Rink و Schäfer از گیاهان مذکور استخراج شده است (1).

هیدروکسی لوپانین، در استن خالص به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۱۶۹-۱۷۰ درجه ذوب می‌شود. در آب، الکل و کلروفرم محلول ولی در بنزن و اتر به مقدار خیلی کم محلول است.

خواص درمانی - از دانه L. albus L.، سابقاً به عنوان دفع کرم، مدر و قاعده‌آور استفاده به عمل می‌آمده است و با آنکه در بعضی کتب علمی، مصرف قسمت هوائی گیاه (ساقه و برگ)، به علت سمی بودن حتی برای حیوانات منع گردیده، در برخی دیگر مانند Dorvault (2)، چنین ذکر شده که در اروپای مرکزی از آن برای تغذیه حیوانات استفاده به عمل می‌آورند ولی برای اینکار نمونه هائی را که الکالوئیدی کمتر دارند و بعلاوه تلخی آنها کم است، برای تغذیه حیوانات

1 - Rink, Schäfer, Arch. Pharm. 287, 290 (1954).

2 - Dorvault, p. 923, (1982).

اختصاص می دهند ضمناً گیاهان اخیر را ، انواع عاری از مواد تلخ (Lupins doux) نام نهاده اند .

دانه انواع مختلف این گیاهان مانند L. albus L. ، مخصوصاً نوعی از این گیاهان که گلپایه‌ی به رنگ آبی روشن دارند یعنی غیرسمی می باشند مانند L. reticulatus Desvaux (مجاور نوعی به نام L. angustifolia L.) در نواحی غربی کشور فرانسه کاشته می شوند و از آنها پس از بودادن ، دم کرده‌ای جهت مصرف مانند قهوه تهیه می کنند (R. B. A. 1941). نام عربی گیاه اخیر ، **ترمس شیطانی** (Turmus shaytâni) است .

دانه انواع مختلف Lupinus دارای مقادیر کمی از مواد روغنی است مانند آنکه در L. albus L. ، معادل ۶ تا ۱۰ درصد ، در L. angustifolius L. ، ۴ تا ۵ درصد و در L. luteus L. ، ۵ تا ۶ درصد از این ماده یافت می شود ولی چون مقدار آن زیاد نیست به مصارف روغن کشی نمی رسند .

روغن حاصل از نوع اول از گیاه اخیر ، رنگ زرد دارد و وزن مخصوص آن در گرمای ۲۰ درجه بین ۰٫۹۲۰ ، ۰٫۹۲۸ ، ۰٫۹۳۰ ، ۰٫۹۳۵ درجه دارد . روغن نوع سوم به رنگ قهوه‌ای است .

L. argenteus Pursh. ، که در ردیف انواع سمی قرار دارد ، در دشت‌های خشک و جنگلهای مناطق کوهستانی ، در ارتفاعات ۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰ متری نواحی مختلف آمریکا مانند مونتانا تا کالیفرنیا و در مکزیکو می روید .

باید توجه داشت که بعضی از انواع Astragalus ها و همچنین برخی Oxytropis ها نیز مواد سمی در اعضای خود ذخیره دارند و این مواد بیشتر در غده‌های زیرزمینی آنها اندوخته شده است و بهمین علت اگر در بین علوفه حیوانات وجود داشته باشند موجبات سموم شدن آنها را فراهم می آورند . از بین انواع سمی این گیاهان به ذکر چند نمونه آنها به شرح زیر که در نواحی مختلف آمریکا می رویند ، اکتفا می شود (۱) :

۱- **Astragalus mollissimus** Torr. * ، در نواحی مختلف آمریکا مانند تکزاس ، نیومکزیکو ، داکوتا و غیره می روید .

۲- **A. lentiginous** Dougl. در منطقه وسیعی از واشنگتن تا آیداهو (Idaho) ، پوتاکالیفرنیا می روید .

1 - Harrington A. R. , Edible Native plants of the Rocky mountains , univ. of Mexico press , 1967 .

۳- **A. nothoxys** Gray. بیشتر در نواحی کویری آمریکا مانند جنوب آریزونا ، مکزیک و مکزیکو می روید .

۴- **Oxytropis lambertii** Pursh. در جنوب کانادا ، مونتانا ، نواحی جنوبی- آریزونا و تکزاس می روید .

Lens culinaris Medik.

Ervum Lens L. ، L. esculenta Moench .

فرانسه : Lentille ، Lentille cultivée ، Ers aux lentilles ، Esse ، Arousse

انگلیسی : Flat-seeded lentil ، آلمانی : Linse ایتالیایی : Lenticchia ، Lente

فارسی : عدس - عربی : عدس

گیاهی علفی ، یکساله ، به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر و دارای برگهای مرکب از ۴ تا ۱۴ برگچه منتهی به پیچک است . از اختصاصات آن این است که برگچه‌های باریک آن به درازای ۱ تا ۲ سانتیمتر و به پهنای ۳ تا ۸ میلیمتر می رسد . گل‌های آن کوچک به رنگ سفید و دارای خطوط ظریفی از رنگ بنفش یا اصولاً مایل به بنفش و یا به رنگ مایل به آبی است . میوه آن به طول ۱۲ تا ۱۵ میلیمتر ، به عرض ۶ تا ۷ میلیمتر و محتوی ۱ تا ۳ دانه گرد و مسطح است .

رنگ دانه عدس بر حسب نژادهای مختلف آن ممکن است بتفاوت مایل به زرد ، مایل به قرمز قهوه‌ای ، مایل به خاکستری و یا تیره باشد .

ترکیبات شیمیائی - عدس دارای آمیدون ، اسلاخ آهن ، کلسیم ، ویتامین های B و C ، منگنز و غیره است . مقدار درصد مواد تشکیل دهنده آن ، عبارت از آب به مقدار ۱۱۰ ، مواد پروتیدی ۲۳ ، هیدراتهای کربن ۵۹ ، مواد لیپیدی ۱۰ ، اسلاخ معدنی ۳۰ و سلولز به مقدار یک درصد است .

خواص درمانی - عدس دارای مواد غذایی با ارزش کافی است و برای آنکه به صورت یک غذای کامل درآید ، احتیاج به افزودن مواد چرب به آن نیست . هضم عدس به مراتب سهل تر از نخود است . در خاکستر عدس ، مواد فسفات به زیاد دیده می شود . زیاد کننده ترشحات شیر است .

آرد عدس ، اثر نرم کننده و از بین برنده التهاب های سطحی بدن دارد و از این جهت به صورت ضماد می توان از آن استفاده بعمل آورد .

محل رویش - کرمانشاه در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی، همدان: آق بلاغ، آق داغ در ۱۰ کیلومتری شمال همدان، لرستان، خرم آباد (دکتر صالحیان). کرمان: بم، فارس: بوشهر، سیناب، مکران، در ۳۰ کیلومتری جنوب سرباز. عدس و نژادهای مختلف آن در ایران پرورش می‌یابند. به حالت نیمه وحشی نیز در نواحی مختلف دیده می‌شوند.

Robinia Pseud-acacia L.

فرانسه : Carouge ، Acacia des jardins ، Robinier faux acacia ، Acacia de Robin
انگلیسی : American locust، False acacia، ایتالیایی: Falsa acacia ، Acacia à Parasol
آلمانی : Robinie ، Falsche acazie ، Acazienbaum ، Acazie ، عربی: شجرة الجراد
فارسی : درخت افاقیا

درختی است زینتی، زیبا، خاردار و به ارتفاع ۶ تا ۲۰ متر (بندرت زیادتر) که ساقه‌ای پوشیده از پوست خاکستری رنگ با شکافهای عمیق دارد. برگهای آن به طول ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر و مرکب از ۹ تا ۲۱ برگچه بیضوی و به رنگ سبز روشن است. گل‌هایی سفید رنگ، معطر، مجتمع به صورت خوشه‌های پرگل، به طول ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر با حالت آویخته دارد. میوه آن نیام، به طول ۸ تا ۱۰ و به عرض ۱ تا ۲ سانتیمتر و محتوی ۴ تا ۱۰ دانه کلیوی شکل و به رنگ قهوه‌ای است.

با پرورش مداوم آن، موفق به تهیه نژادهای عاری از خار و گل‌هایی به رنگ کلی شده‌اند. گل‌های درخت افاقیا، نوش فراوان و عسل معطر و مرغوب ایجاد می‌کند و با محاسبه‌ای که بعمل آمده از هر ۱۶۰۰۰۰ دفعه که زنبوران عسل جمعاً به سمت آن جلب‌گردند، معادل یک کیلو عسل از آن بدست می‌آید.

منطقه اصلی انتشار آن، امریکای شمالی است ولی امروزه در نواحی مختلف اروپا، آسیای-معتدله و ایران نفوذ یافته به عنوان یک درخت زینتی پیوسته پرورش می‌یابد. پراکندگی آن در ارتفاعات متجاوز از ۱۰۰۰ متر، کمتر عملی می‌گردد.

سمومیت - در ریشه، پوست تازه و دانه درخت افاقیا نوعی توکسالبوئین Toxalbumine به نام **روبین** robine وجود دارد (Kobert در ۱۸۹۱). برگ و گل آن نیز دارای یک مادسمی به نام **روبین** robine می‌باشند (Coltmann در ۱۸۸۹). روبین دارای اثر منعقدکننده

شیر و آگلوتینه کردن گلبول‌های خون است. از این جهت موارد سمومیت متعددی ناشی از بی‌احتیاطی در انسان و حیوانات پیش آورده است. در مصارف درمانی نیز باید با رعایت احتیاط کامل از گیاه استفاده بعمل آید.



ش ۲۱ - Robinia Pseud - acacia : شاخه گلدار (۲/۵ طبیعی)

توکسیکیت شیمیائی - به غیر از ناحیه سطحی چوب و منطقه آبکش اطراف آن، همه قسمت‌های درخت افاقیا دارای تاننی است که بیشتر به صورت **گلیکوتان نوئیدها** glycotannoides می‌باشد. در دستگاه روئنده گیاه، انواع صمغها، کاروتین، فسفات کلسیم، یک ماده رنگی، روبین robine (ماده بسیار سمی) و یک گلوکزید به نام روبینین robinine یافت می‌شود. **روبینین** Robinine، نوعی ماده سمی به فرمول $C_{19}H_{27}O_9$ و به وزن ملکولی ۳۸۷.۴۱ است. از گل‌های درخت افاقیا، استخراج شده است (1). فرمول منبسط آن نیز توسط Bongar و Zemplén (2) مشخص شده است.

1 - Sando, J. Biol. Chem. 94, 675 (1932).

2 - Zemplén, Bongar, Ber. 74B, 1783 (1941).

روی نین، به صورت بلورهای سوزنی شکل، به رنگ زرد کاهی در الکل به دست می آید. در گرمای ۲۴۹-۲۵ درجه نیز ذوب می شود. در آب داغ و الکل خیلی گرم محلول است ولی در اثر حل نمی گردد.

از هیدرولیز آن، تحت اثر اسیدهای معدنی رقیق، موادی نظیر راسنوز، گالاکتوز و کمفرول Kaempferol حاصل می شود.

کمفرول Kaempferol (روی ژئین robigenin، سواریت زیول swartziol، تریفولیتین trifolitin، نیم به سه تین nimbecetin، پوپول نه تین populnetin، راسنولوتین pelargidenolon 1497, rhamnolutein)، ماده ای به فرمول $C_{15}H_{10}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۸۶٫۲۳ است و از اعضای گیاهان مختلف مانند انواع زیر استخراج شده است (1):

- | | | |
|----|-------------------------------|-----------------------|
| ۱- | Consolida regalis S. F. Gray. | از تیره Ranunculaceae |
| | =Delphinium consolida L. | |
| ۲- | Citrus paradisi Macf. | Rutaceae |
| ۳- | Cuscuta reflexa Roxb. | Convolvulaceae |

فرمول منبسط آن نیز توسط Kostanecki مشخص گردید (2).

کمفرول، به صورت بلورهای سوزنی شکل متبلور می گردد. در گرمای ۲۷۶-۲۷۸ درجه ذوب می شود. در آب به مقدار بسیار کم ولی در الکل داغ و اثر یا قلیائیات، به مقدار زیاد محلول است.

گل اقاچیا - دارای روی نین، اسپارازین، اسانسی بابوی بسیار مطبوع و نافذ، شبیه بوی یاسمن، مرکب از اثرهای متیلک، تریپنتولها، الکل بنزیلیک، لینالول، اندول، نرول و هلیوتروپین Héliotropine (پیدرونال Pipéronal) است (3).

دانه اقاچیا دارای ۳۱ درصد ماده روغنی توام با مواد تلخ است. اسروزه موفق به جدا کردن ماده تلخ دانه و تهیه نوعی آرد از آن گردیدند که به آرد گندم جهت طبخ نان افزوده می شود.

روغن دانه اقاچیا، حالت روان ولی خشک شونده (seccatvie) دارد. اسیدهای

1 - Perkin, Wilkinson, J. Chem. Soc. 81, 585 (1902).

2 - Kostanecki, Ber. 34, 3723 (1901).

۳ - پیدرونال یا هلیوتروپین در بحث Filipendula ulmaria (L.) Maxim. (تیره گل سرخ) در صفحات بعد شرح داده شده است.

چرب اشباع شده آن به مقدار ۳ تا ۷ درصد است. اسیدهای چرب اشباع نشده آن عبارت از اسید اولئیک، لینولئیک و لینولنیک می باشد.

خواص درمانی - گل درخت اقاچیا، دارای اثرات خفیف آرام کننده، مقوی، قابض، نرم کننده و صفرابر است.

پوست درخت اقاچیا مخصوصاً پوست ریشه آن، به مقدار کم و مخلوط با قند، اثر مقوی و ملین ملایم دارد ولی اگر به مقدار زیاد بکار رود، اثر قی آور و مسهلی قوی ظاهر نموده، سمی می گردد.

برگ درخت اقاچیا، اثر صفرابر و ملین دارد.

دم کرده گل و برگ درخت اقاچیا می تواند در سردردهای منشأ سمومیت های خودبخود سمومیت های ناشی از پیدایش مواد سمی در خون و جمع شدن آنها در عضوی از بدن، سوء هضم، استفراغ های سبک و احساس کسالت های عادی که غالباً پیش می آید، اثر مفید داشته باشد.

صور دارویی - دم کرده ۱۲ گرم برگ اقاچیا در یک فنجان آب جوش به عنوان صفرابر در صبح ناشتا و دم کرده همان مقدار گل اقاچیا به عنوان آرام کننده، قبل از شام و نهار مصرف می شود. از دم کردن ۱۵ تا ۲۰ گرم گل اقاچیا در یک لیتر شراب قرمز، نوعی شراب مقوی به دست می آید که برای رفع کم خونی و ترشحات مهیلی (Leucorrhée) به مقدار یک فنجان محتوی ۷۵ سانتیمتر مکعب قبل از غذا مصرف می شود.

گل درخت اقاچیا به مصارف متعدد می رسد مانند آنکه از آن در تهیه نوعی نان شیرینی، لیکور، شربت، لوسیون های زیبایی، نوعی تنطور زرد رنگ جهت رنگ کردن ابریشم، پنبه و کاغذ استفاده می گردد. بالیاف فیبری ساقه درخت اقاچیا، نوعی طناب تهیه می شود ولی اینکار در ایران معمول نیست.

چوب درخت اقاچیا، نسبتاً مستحکم و بادوام است و در مقابل حشرات و پوسیدگی نیز مقاومت زیاد دارد.

درخت اقاچیا، در نواحی مختلف ایران به عنوان یک درخت زینتی پرورش می یابد و دارای وارپته های متعدد است.

Hippocrepis unisiliquosa L. - گیاهی کوچک، علفی، یکساله، دارای گلپهانی

زرد رنگ، منفرد و بندرت ۲ تائی است. از اختصاصات آن این است که سیوه نیام آن یک ردیف از بریدگیهای عمیق و منظم در یکی از کناره ها دارد بنحوی که فضا های کوچک و محدود به کناره سیوه، خاتماً بوجود می آید.

خواص درمانی - مصرف آن به عنوان داروی مخصوص التیام جراحات و بهبود آنها

توصیه شده است.

محل رویش - نواحی شمالی ایران مازندران : دشت نظیر، پل زنگوله در ۳۰ متری، گیلان : رودبار، کوشک (باغ محسنی)، حاشیه دره منتهی به سفیدرود و احمد چشمه در ارتفاع ۳۲۰ متری، بین چوپر و امامزاده ابراهیم و امامزاده اسحق (مرضیه ذاکری). آذربایجان، اصفهان، لرستان: خرم آباد در ۱۰۰ متری. فارس: بین شیراز و بوشهر در ۱۳۰۰ متری.

Hymenocarpus circinatus Sw. گیاهی علفی و دارای گل‌های کوچک و زردرنگ

است.

خواص درمانی - در بعضی نواحی از آن به عنوان داروی مخصوص رفع آبه، استفاده

بعمل می‌آورند.

محل رویش - جنوب ایران، مسجد سلیمان (فلور ایران) (۱).

* *Sesbania aegyptica* Pers.

فرانسه : *Sesbane* انگلیسی : *Sesban* ، *Danchi plant* آلمانی : *Sesbanie*

ایتالیائی : *Sesbania* عربی : *Saysban* (سسبان) ، سسبان (*Sesbân*)

درختی است که در منطقه وسیعی از هند تا شمال افریقا می‌روید ولی وجود آن در ایران مشکوک نظر می‌رسد. برگ‌های مرکب از ۹ تا ۱۲ زوج برگچه (گاهی بیشتر) و گل‌هایی معمولاً به رنگ زرد و مجتمع به صورت خوشه دارد ولی در بعضی پایه‌ها، گل‌ها به رنگ‌های دیگر مانند قرمز یا مایل به قهوه‌ای ظاهر می‌شود. میوه‌اش دراز، استوانه‌ای، نسبتاً مسطح و دارای ظاهر ناهموار است. در نواحی مختلف هند، به علت دارا بودن بعضی صفات درمانی پرورش می‌یابد. هر دانه گیاه به طور متوسط ۱.۰ گرم وزن دارد. بو و طعم آن مشخص است. بررسی‌های اولیه نشان داده‌است که دانه گیاه دارای ۶۷-۸۳ درصد روغن ثابت، ۱۱-۱۴ درصد مواد رزینی، قند، اسیدهای آلی و ۲۰-۲۵ درصد مواد موسیلاژی همراه با ترکیبات دیگر است.

مردم هند معتقدند که دانه گیاه، درد ناشی از سم عقرب را برطرف می‌سازد و اگر نیم‌کوب دانه بر روی زخم و ناراحتی‌های جلدی اثر داده شود، به علت قابض بودن، باعث درمان می‌گردد. شیره حاصل از پوست ساقه گیاه نیز به عنوان قابض مصرف می‌شود. با بررسی‌هایی که بعمل آمده

۱- این گیاه در فلورا ایرانیکا، به صورت دو گونه فرعی ذکر شده که یکی از آنها به نام *subsp. nummularius* (DC.) Clitck, Slavik است و در مغرب و جنوب ایران پراکنده‌گی دارد.

(Wight) ، نشان داده شده است که ضباد حاصل از برگ گیاه، در درمان زخم‌های چرکین اثر معالج دارد.

S. grandiflora Pers. * - نوع دیگری از درخت مذکور است که ساقه‌ای

به ارتفاع ۳ متر دارد ولی عمر آن کوتاه است. در آمریکا، استرالیا و نواحی غربی هند می‌روید و پرورش می‌یابد. به زبان سانسکریت، *Varnari* و *Agasti* نامبرده شده که به معنای «دشمن درد» است. این درخت، برگ‌های مرکب از ۲۱ زوج برگچه بیضوی دراز، به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر (گاهی بیشتر) دارد.

پوست ساقه آن، طعم بسیار تلخ و اثر قابض دارد و از آن برای رفع ناراحتی هضمی استفاده بعمل می‌آورند. طبق آنچه که در فارماکوپه هند منعکس است، پوست درخت فاقد طعم تلخ ولی دارای اثر قابض است (Dr. Bonavia). در بمبئی از برگ و گل آن استفاده درمانی بعمل می‌آورند و شیره حاصل از آنها، یک داروی سنتی جهت درمان نزله و سردرد است. شیره مذکور، رنگ قهوه‌ای دارد و چکاندن آن در بینی، از ریزش آب بینی جلوگیری بعمل می‌آورد و علاوه بر دانه‌های ناحیه پیشانی ناشی از سرماخوردگی‌ها (منشاء سینوزیت) را از بین می‌برد.

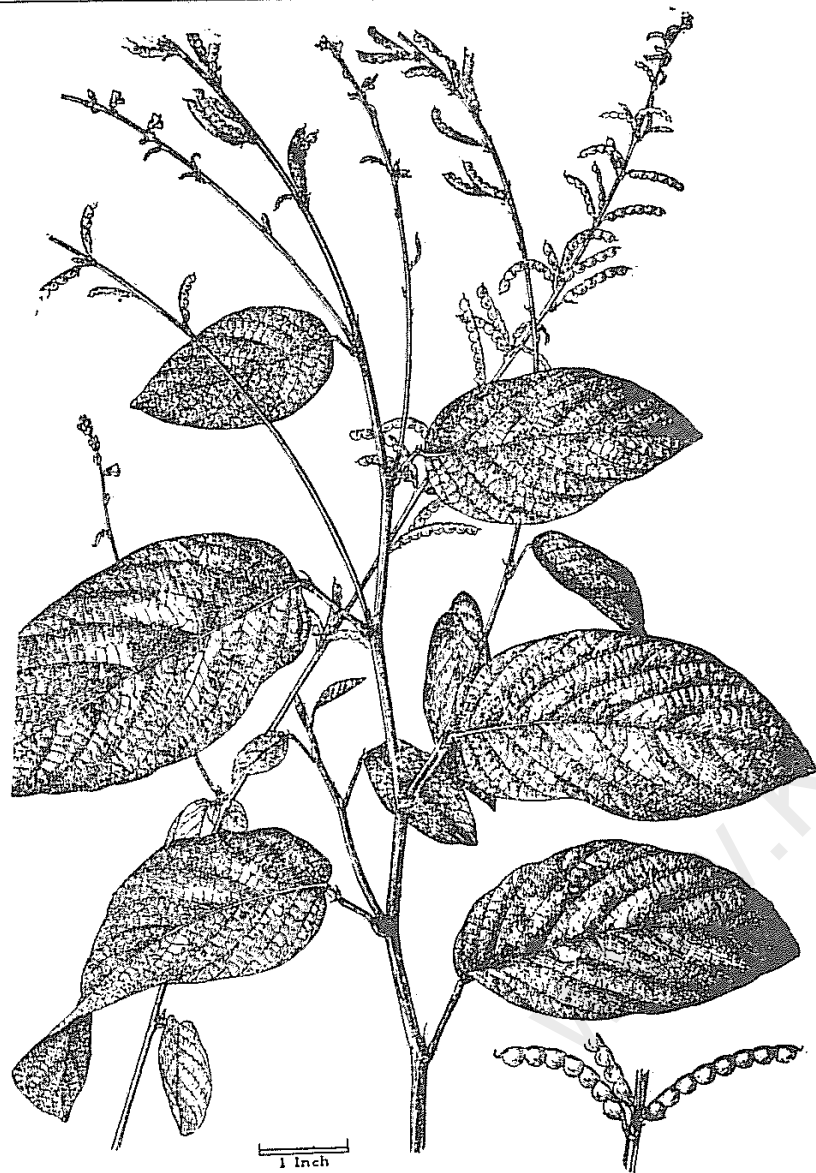
ریشه این درخت اثر ضد رماتیسمی دارد و گرد آن، در واریته‌ای از گیاه که دارای گل‌های قرمز رنگ است پس از وارد کردن در آب بطوریکه به صورت خمیر درآید، جهت درمان و تسکین دردهای رماتیسمی به کار می‌رود. در بعضی از نواحی هند، برگ پخته شده گیاه را می‌خورند و معتقدند که اشتها آور است.

Cylista scariosa Ait. * - گیاهی چندساله و دارای اعضای چوبی است. به حالت

طبیعی در بوته‌زارها می‌روید. برگ‌های مرکب از برگچه‌های بیضوی و پوشیده از تارهای سفید رنگ دارد ولی فراوانی این تارها، در سطح تحتانی پهنک برگچه‌ها بیشتر است. گل‌های آن به رنگ قرمز مایل به زرد، به درازای یکسانتیمتر و دارای کاسه‌ای نازک و غشائی با ظاهر مشخص است. در نواحی مختلف هند، دکن (Deccan) می‌روید. ریشه چوبی این گیاه، اثر قابض و مصارف درمانی دارد. از جوشانده آن جهت رفع ترشحات مهلی استفاده می‌شود. ظاهر ریشه گیاه، مخروطی و منتهی به نوک باریک است. معادل ۱۰ درصد تانن دارد. از ریشه گیاه شیره چسبناکی خارج می‌شود که به رنگ قرمز است ولی بر اثر خشک شدن، تیره رنگ و شفاف می‌شود.

Clitoria ternata L. * - گیاهی است که در هیمالیا، هند، سیلان و برمه می‌روید

و در کتب داروئی هند به زبان سانسکریت، *Aparajita* یا *Gokarna* نامبرده شده است. برای ریشه آن، اثری اشتها آور و مدر قائل‌اند. مصرف آن توام با مدرها و ملین‌های دیگر، در درمان استسقا (ascites) که عبارت از تجمع غیرطبیعی آب در اسعاء و احشاء و غیره می‌باشد، اثر معالج ظاهر می‌کند. دم کرده پوست ریشه آن به مقدار ۰٫۷ گرم، جهت رفع تحریکات

ش ۲۲ - *Desmodium gangeticum* : شاخه گلدار و میوه دار

(Ayur. dr.) مجموعه میوه

شانه و مجاری ادرار به کار می رود. با مصرف آن، حجم دفع ادرار نیز افزایش می یابد و حالت لینت ظاهر می شود. بومیان محل رویش گیاه، از دانه آن به عنوان ملین و مسهل استفاده به عمل می آورند.

Uraria lagopoides DC. * گیاهی با ساقه های چوبی باریک و فشرده بهم در ناحیه قاعده است. در نواحی مختلف هند می روید. برگهای مرکب از برگچه های متعدد با پهنک مدور در قاعده و گلخانهی به رنگ قهوه ای شفاف و کم و بیش پوشیده از تار دارد. دارای اثر قابض و مقوی معده است. بعنوان ضد نزله نیز مصرف می شود.

نوع دیگر آن **U. Picta Desf.** * است که ساقه ای به ارتفاع یک تا ۱۰ متر، برگهای متناوب به صورت ساده یا مرکب از برگچه ها و گلخانهی کوچک و به رنگ قرمز دارد. بومیان محل رویش گیاه در هند از آن جهت خنثی کردن سم مار استفاده بعمل می آورند. هیچیک از گیاهان اخیر در ایران نمی رویند (۱).

Taverniera nummularia DC. * گیاهی با ساقه چوبی، دارای ظاهر پوشیده از تار و برگهای ساده است. میوه آن ناشکونفا و دارای بندهای مشخص در محل دانه هاست. **خواص درمانی** - ریشه آن طعمی شیرین دارد و در کتب دارویی برای آن اثر خلط آور ذکر شده است.

محل رویش - این گیاه در نواحی غربی ایران: خاتقین، کرمانشاه، قصر شیرین در ... متری، ایلام در ... تا ۴۰ متری. خوزستان: ۳ کیلومتری شمال شرقی هفت گل و همچنین در مکران و بلوچستان می روید.

* *Desmodium gangeticum* DC.

D. collinum Loud. ، *D. maculatum* DC.

فرانسسه: *Desmodie* انگلیسی: Tick trefoil هندی: *Salwan* ، *Salpan*

آلمانی: *Bundelhülse* ایتالیایی: *Desmodio* عربی: *متن (Matan)* ، ارقیس

گیاهی بوته مانند، به ارتفاع ۶۰ تا ۱۳۰ متر و دارای ساقه های زاویه دار و پوشیده از تارهای سفید رنگ می باشد. برگخانهی ساده، بیضوی دراز و منتهی به دم برگ که به طول یک تا دو سانتیمتر دارد. زائده زیر برگ آن، باریک و نوک تیز با ظاهر مشخص است. گلخانهی آن که در طول دم گل اصلی دراز است، واقع در محور ساقه و یا در قسمتهای انتهایی شاخه ها جای دارد،

به رنگ بنفش یا سفید و به طول متوسط ۴ میلیمتری باشد. این گیاه در نواحی مختلف آسیا، مانند ارتفاعات هیمالیا، سیلان، برمه، مالایا، فیلیپین و همچنین در بعضی از نواحی حاره افریقا می‌روید. ولی در ایران یافت نمی‌گردد.

قسمت مورد استفاده گیاه، ریشه و یا کلیه اعضای آن است.

خواص درمانی - ریشه گیاه اثر قابض، تب بر و ضد کرم دارد و از آن، جهت رفع اسهالهای ساده و ناراحتی های هضمی منشاء صفراکه با تلخی دهان و بار زبان و گاهی استفراغ همراه است، استفاده می‌شود.

بمصارف رفع استفراغ و تهوع می‌رسد.

از گونه های مفید دیگر آن به شرح نمونه های زیر مبادرت می‌گردد:

الف - *D. triflorum* DC. ، *D. parvifolium* Blanco - گیاه کوچک ، علفی ،

چندساله و دارای ساقه بسیار منشعب و پوشیده از تارهای سفید رنگ است. برگهای سه برگچه ای نازک و بیضوی دارد به استثناء انواع واقع در قاعده ساقه که یک برگچه ایست. گلهای آن که در طول ساقه و در کنار برگها ظاهر می‌شود، به رنگ گلی یا سفید می‌باشد که ممکن است منفرد یا مجتمع به تعداد ۲-۵ تائی باشد. میوه اش نیام، به طول ۱-۱۰ سانتیمتر، به عرض ۳-۴ میلیمتر و دارای ظاهر ناصاف و بند بند و پوشیده از تار است.

در نواحی جنوبی آسیا منجمله ایران می‌روید.

خواص درمانی - در مصارف داخلی، اثر زیاد کننده ترشحات شیر دارد. در بعضی نواحی

محل رویش، شیره تازه گیاه جهت رفع سرفه به اطفال داده می‌شود. برگهای تازه آن بر روی آبسه و زخمهای دیر علاج جهت درمان آنها، اثر داده می‌شود (Wight). در نواحی جنوبی ایران مانند مکران می‌روید.

ب - *D. incanum* D.C. * گونه مفید دیگری از این گیاهان است که در آمریکا می‌روید

و از آن بعنوان قابض و مقوی اعمال روده استفاده می‌شود.

ج - *D. retroflexum* DC. * در چین می‌روید و برای آن اثر مقوی معده و قاعده آور

قائل اند.

د - *D. elegans* DC. * ، *D. tillaeifolium* G. Don. در هیمالیا، بعضی نواحی

هند و پنجاب می‌روید. دارای اثر بادشکن و مدر است. در رفع خیر اندامهای بدن و درمان بواسیر مؤثر واقع می‌گردد.

Vigna Catjang Walp.

V. sinensis Endl. ، *Dolchis Catjang* L.

فرانسه : *Dolique à oeil noir* انگلیسی : *Black - eye pea* ، *Catjang*

آلمانی : *Chinesische fasel* ایتالیائی : *Fagiolina* ، *F. ad occhio*

عربی : لویای بلدی (*Lûbyâ baladi*)

گیاهی یکساله و دارای ساقه تقریباً قائم و یا بالارونده است. برگهای مرکب از برگچه های نازک و غشائی، به طول ۷-۱۰ سانتیمتر، نوک تیز، بیضوی یا بیضوی- لوزی شکل با کناره لوبدار دارد. در محل اتصال برگ به ساقه نیز زائده هائی به طول ۸-۱۳ میلیمتر دیده می‌شود. گلهای آن که به تعداد ۳-۶ تائی، بر روی دسگلی واقع در کناره برگها ظاهر می‌گردد، به رنگهای زرد یا زرد مایل به قرمز و میوه اش نیام، به طول ۱۰-۶ سانتیمتر و محتوی ۱-۲ دانه می‌باشد. در غالب نواحی جنوب آسیا منجمله ایران، پراکنندگی دارد. پرورش نیز می‌یابد.

خواص درمانی - میوه گیاه که قسمت درمانی آن است، طعمی تند ولی مطبوع دارد. برای آن اثر ملین، زیاد کننده ترشحات شیر، مدر و مقوی در کتب دارویی ذکر شده است و علاوه اثر مقوی باه دارد. از معایب میوه، دیر هضم بودن آن است ضمناً تولید نفخ می‌کند (*Ayurveda*). در بعضی نواحی جنوب آسیا، میوه آب پز گیاه به مصارف تغذیه می‌رسد زیرا برای آن ارزش غذایی قائل اند. عده ای نیز چنین اعتقاد دارند که کرم اعضاء با مصرف میوه گیاه، دفع می‌شود. **محل رویش** - نواحی جنوبی ایران: بلوچستان. پرورش می‌یابد.

Cajanus indicus Spreng.

C. biolor DC. ، *C. flavus* DC.

فرانسه : *Ambrevade* ، *Cajan* ، انگلیسی : *Cajon pea* ، *Pigeon pea* ، *Cajon pea* ، *Congo pea*

آلمانی : *Angolische erbse* ، *Catjang* ایتالیائی : *Pisello d'Angola* ، *Citiso dell Indie*

عربی : بسله هندیه (*Bisillah hindiyah*)، لویا سودانی

گیاهی کوچک و درختچه مانند، به ارتفاع ۱۰ تا ۳ متر و دارای شاخه های شیاردار و پوشیده از تارهای ابریشمی می‌باشد. برگهای مرکب از ۳ برگچه دراز و نوک تیز، با کناره های صاف ولی پوشیده از تارهای ابریشمی دارد. زائده های کوچکی در محل اتصال دمبرگ آن به ساقه دیده می‌شود که زود افت است. گلهای به رنگ زرد با تزیینات ظریف از رنگ قرمز و گاهی